

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه اول اردی بهشت ماه ۱۳۲۲

فهرست مطالب :

- | | |
|---|---|
| ۱ - تصویب صورت مجلس | ۴ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر بهداری |
| ۲ - شور اول لایحه اعطای اختیارات به آقای دکتر میلیسپو | ۵ - بقیه شور اول لایحه اختیارات و رأی ورود در شور دوم |
| ۳ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر دادگستری | ۶ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس یکساعت و بیست دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۵ فروردین ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ خبر صورت مجلس

تصویب شد .

۲ - شور اول لایحه اعطای اختیارات به آقای دکتر میلیسپو

عده از آقایان قبل از دستور اجازه خوانسته اند (جمعی از نمایندگان - دستور) شروع میشود بدستور گزارش کمیسیون بودجه قرائت میشود :

کمیسیون بودجه در تاریخ سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۲۲ تشکیل و ماده پنج لایحه اختیارات آقای دکتر میلیسپو را مطرح و با اکثریت کمیسیون تصویب شد .

رئیس - گزارش کمیسیون دارائی قرائت میشود :

کمیسیون قوانین دارائی با مشارکت کمیسیون بازرگانی و پیشه و هنر لایحه شماره ۳۶۶۵۰ دولت راجع باعطای اختیارات به آقای رئیس کل دارائی تحت شور قراردادده و پس از توضیحات کاملی که از طرف دولت در اطراف هر يك از مواد آن داده شد بالاخره با مواد زیر موافقت حاصل شده اینک گزارش آن برای شور اول تقدیم میشود .

رئیس - مذاکره در کلیات است . آقای تهرانچی .

تهرانچی - بنده قبل از اینکه وارد اصل موضوع بشوم

این مذاکرات مشروح یکصد و پنجاهمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است

غائبین با اجازه : آقایان ، اقبال - جالبلی - فاطمی - صدر - دکتر اقمان - دشتی ، غائبین بی اجازه : آقایان ، تونیت - دکتر طاهری - صفوی - ارگانی - مشیردوانی - مکرم افشار - ناصری - شجاع - اکبر - امیر ابراهیمی - جلالی - نمازی - دبستانی - آصف - صادق وزیری - شباهنگ - مسعودی - امامی - کامل ماکو - معمل - نصر تیان - بوداغیان . دیر آمده بی اجازه - آقای لبقوانی .

دو فقره توضیح مختصر عرض می‌کنم اولاً لازم است عرض کرده باشم که بنده از آن وقتیکه بافتخار نمایندگی مجلس شورای ملی منتخب شده ام و جهاً من الوجوه وارد تجارت نشده ام و ترك تجارت که شغل آبا و اجدادی ام بود کردم و از آنوقت تا کنون هم هیچوقت معاملات تجارتنی نکرده ام حتی اگر به جبر هم يك اوراق سهام معدودی خریده ام در هیئت‌های مدیره اش که انتخاب شده ام استعفا داده ام و بلافاصله آن سهام را فروخته ام و از آن بعد و جهاً من الوجوه وارد تجارت نبوده و نشدم و بعد از این هم تصمیم قطعی دارم که دیگر وارد تجارت نشوم قسمت دیگری هم که خواستم عرض کنم توضیح مختصری است این است که بنده شخصاً با ترقی معیشت عمومی همیشه مخالف هستم مثل اینکه در کابینه آقای قوام السلطنه چند دفعه بیسوال کردم که چرا قیمت‌ها اینطور ترقی کرده است بنا بمذاکرانی که در خارج شد حاضر نشدند جواب بدهند و حالا هم چنانچه ملاحظه می‌فرمائید بقدری اوضاع معیشت عمومی سخت شده و زیاد شده است که برای طبقه اول خیلی سخت شده چه رسد به قسمتهای دیگر که خود بنده کاملاً از این قسمت در ناله و شدت گرفتاری هستم اما مخالفت بنده با این لایحه اساساً آقایان خوب میدانند که بنده با اصل استخدام مستشار خارجی مخالف بودم که در این موقع که دنیا در حال جنگ بوده و وضع عادی ندارد برای ما مصلحت نیست که مستشار خارجی بخواهیم استخدام کنیم تا اینکه جنگ دنیا خاتمه پیدا کند بعلاوه عرض کردم باز هم تکرار می‌کنم که مملکت آنوقت که بمستشار محتاج بود وقتی بود که تشکیلات اداری نداشت ولی امروز آنروز نیست امروز تشکیلات دوائر ما خوب است همچنانکه از روزی که مستشاران آمده اند تشکیلات را عوض نکردند و سر جای خودش است منتها در این مملکت دو اصل که لازم بود رعایت شود رعایت نشده و آن تشویق خادم بود و مجازات خائن چون این دو قسمت مراعات نشده البته یکقدری امور مان منظم نبود و حالا هم هر وقت این کار را کردید امور اداری ما اداره میشود اما آمدیم سر این اختیارات بیشتر نظر دولت این است که با این اختیار

معیشت عمومی را یابین بیاورد در همان موقعی که بنده مخالفت می‌کردم با ورود مستشاران خارجی و استخدام مستشاران خارجی تنها دلیلی که در مقابل بنده بود این بود که در این موقع که مملکت ما مبتلا به وضعیات غیر عادی است از وجود مستشاران خارجی این استفاده را ما می‌کنیم که بیایند و وضعیات ما را در مقابل متفقین تسهیل بکنند این یکی از دلایل اشخاص بود که لازم میدانستند مستشار خارجی در اینجا بیاید متأسفانه بنده نتیجه از این نظری که بعضی از آقایان داشتند از بعد از آمدن مستشاران خارجی باینطرف ندیدم برای اینکه در موضوع خواربار عملی بسر نفع ما در مقابل متفقین ما نکردند یعنی درد های ما را یا نتوانستند درست به آنها برسانند یا تصمیماتی که برای ما از نظر تشریک مساعی ما با آنها لازم بوده است بگویند و گوشزد بکنند و آنها را وادار به قبول کنند و جهاً من الوجوه عملی در این قسمت نشده است بلکه دیدیم در همین اداره خواربار وضعیات نلن مرکز ما که بیشتر در دست مستشار خارجی بود تا کنون هم اصلاح نشده و مردم بکلی دچار سختی و صعوبت هستند و فقط کاری که ما می‌بینیم در آن اداره شده در نتیجه گرفتن باربری در دست خودشان آمدند و وضعیت خواربار را طوری کردند که بالاخره خوارباری که در خود مملکت هست یعنی از شهرستانی که محل تولید محصول است تا شهرستانی که محل مصرف است صدی صدی دوست . صدی پانصد فرق قیمت دارد فرض کنید در بهبهان قیمت روغن چهار تومان پنج تومان است در کرمانشاه ده تومان دوازده تومان ولی در طهران بیست و پنج تومان و سی تومان و این آقایان اعضاء باربری خودشان این مضمینه را وارد کردند که نگذاشتند تاجر از باربری آزاد استفاده کنند و کمک به پائین آوردن سطح زندگی و پائین آمدن قیمت يك متاعی که در محل دیگری که مورد استفاده است بکنند و این از نتایجی است که در همان وزارت خواربار آقایان مستشاران گرفتند این را هم البته در جلسه که در حضور آقای نخست وزیر تشکیل شده بود عرض رساندم و از طرف هیئت نظاری هم که بود جوابهای قانع کننده

ندادند و هر چه عرض کردم که چرا محلی که محل تولید جنس است با محلی که محل مصرف است آنقدر تفاوت قیمت دارد در آن جائی که محل تولید است قیمت يك جنس فرساده تومان باشد و در اثر يك کرایه و منافی چرا باید در محل مصرف این قدر تفاوت قیمت داشته باشد در حالتیکه تفاوت آن صدی ده یا صدی دوازده نباید بیشتر باشد چرا باید تفاوت آن صدی صد تا صدی پانصد باشد این را بمن جواب قانع کننده ندادند عرض کردم این اداره بازبری بر ضرر کشور کار میکند و به نفع دیگران تمام میشود یعنی خریدهایی که در محل میشود برای اشخاص دیگر ب نفع دیگران و ضرر مملکت است جوابی به بنده داده نشد حالا هم اگر مستشاران ما عوض اینکه از ما اختیار میخواهند آقای دکتر میلیسپو وارد مذاکره میشدند با متفقین و مطالب را به آنها حالی میکردند بهتر بود که بعد از آن قضایای شهریور ماه که پیش آمد در قسمت جنس چه داخلی و چه خارجی ما با اندازه کافی داشتیم بلکه برای مصرف سال بعد هم بود هر چند بعضی هامیگفتند در نتیجه تضییقات و انحصارهایی که در بین بود یکقدری تهیه کم بود ولی با وصف این بعقیده بنده برای چند سال هم موجود بود خوب وقتی که ارتباط ما با سایر قطعات دنیا بریده شد و مطابق يك قراردادی وقتی که ما متفق شدیم با يك دولتهائی بر آنها فرض بشود که احتیاجات ما را تأمین کنند مثل اینکه در قراردادی که در همان موقع منعقد شد در یکی از مواد آن که یادم نیست ماه هفت یا هشت است این را تعهد کردند که راجع به حیات اقتصادی ایران همه نوع کمک بکنند ولی بنده شنیدم در موقعی که آقای دکتر میلیسپو در کمیسیون دارائی تشریف داشتند مذاکره شده بود در کابینه سابق آقای قوام وعده کردند به مجلس شورای ملی که در نتیجه مذاکرات با متفقین نرخ لیره به نرخ کمی تنزل یابد برای اینکه این نرخ تحمیلی است بما ایشان گفته اند من اطلاعی ندارم و در موقعی که با آقای مخبر کمیسیون ما رفتیم مذاکره کردیم گفتند ما چنین وعده نکرده ایم و این هم بمن مربوط نیست خوب آقای دکتر

میلیسپو همچو وعده نکرده اند شما که امروز مستشار این مملکت هستید و این قضیه را هم فرضاً خودتان لازم میدانید چرا در آن موقع که بشما گفته شد نکرذید و گفتید که تنزل قیمت لیره به منفعت ما نیست و بضرر ما است چرا نتوانستید این را موافقت تحصیل کنید چون یکی از علل گرانی نرخها مربوط بهمین لیره است اگر لیره تنزل پیدا بکند مثلاً ملاحظه بفرمائید وقتی ما دو لیره بدیم و این کفشر را بخریم وقتی که لیره ده تومان باشد بیست تومان میشود وقتی که لیره سیزده تومان باشد بیست و شش تومان تمام میشود و بهمان تناسب هم مخارج بیمه و گمرک و سایر مخارج کم میشود در این موضوع هم مذاکره کردیم گفتند همچو تعهدی ما نکرده ایم و این هم مرتبط نیست با تنزل نرخ اجناس عرض می‌کنم یکی از راه های تنزل نرخ اجناس همین موضوع است یعنی با خواستن اوست که از متفقین بخواهند مطابق همان تعهدی که در پیمان هست که حیات اقتصادی ایران را باید محفوظ بدارند وقتی ما آمدیم و اجناس مان را مشتری گاه مصرف کردیم یعنی تنها مصرف نکردیم و تقاضا بیش از عرضه شد بدیهی است زمینه کم میشود پس باید از آنها بخواهند که يك مقداری از اجناس ضروری بما بدهند و آنها هم موافقت کنند و اهتمام کنند در ورود آن اجناس مخصوصاً این را در خدمت آقایان عرض کردم که آزادی و پائین آوردن نرخ لیره در قسمت ارزانی اجناس ضروری است که اگر لیره ترقی کند باعث صدمه توده و عموم میشود البته گرانی اجناس لو کس چیزی نیست مثلاً اگر فرش ترقی بکند یا حریر و یا مجسمه اینها چون جزء اجناس ضروری و عمومی نیست چندان اهمیت ندارد ولی اجناسی که مورد احتیاج عمومی است که قند است ، شکر است ، چای است ، چیت است ، دارو است اینها را حتماً باید به قیمت ارزان در دسترس عموم بگذارند و آقایان عرض اینکه این اختیارات را بگیرند لازم است از متفقین بخواهند که از این نوع امتعه را بدوات ایران بدهند سابقاً دولتها می گفتند که بما میگویند چون تاجر اسپیکولاسیون میکنند ما نمیتوانیم به محل هایی که

فروشنده این جنس ها هستند توصیه کنیم که این اجناس را بایران بدهند بنده يك جوابی دادم بدولت وقت آنروز گفتم شما ممکن است بگوئید بفروشنند بدولت ایران و آنوقت خودتان مغازه های خرده فروشی باز میکنید و در تحت نظارت مأمورین خودتان آنها را بفروشید که هیچگونه اسپیکولاسیونی در این کار نشود و با این اقدام دولت تمهید میکند که از دست اول در دسترس مصرف کنندگان و خریدار بگذارد که مورد سوء استفاده نشود مقصود از عرایض این است که اگر این مطالب را آقایان مستشاران از راههای دیگری حل کنند که خیلی سهلتر از این است که این اختیارات را بخواهند آقایان اصلاً وارد بحث و حل و عقد نمیشوند و فقط میگویند اختیار بدهید تا نرخ ها را بیاوریم پائین از نقطه نظر کلی دو چیز داریم یکی گرانی سطح زندگی و یکی از نقطه نظر کشور است زیرا مصرف این مملکت منحصر بخود ما نیست امروز هم متفقین ما اجناس موجوده ما را مصرف می کنند و هم ما امروز آنچه که ما از مازاد ما غیر مازاد داریم چون وارد این بحث نمیشوم و سابقاً صادر میشد حالا دیگر صادر نمیشود و ما صادرات نداریم یعنی همای اندازه است که آنها مصرف میکنند و اگر مازاد داشته باشیم مصرف کننده داخلی نیست بلکه بیشتر آنها مصرف میکنند و در این موقع هیچ مملکتی کوشش نمیکند که قیمت صادرات خودش را بیاورد پائین توجه بفرمائید به عرایض بنده و مخصوصاً تقاضا میکنم از آقایان محترمین جرائد که اگر میخواهند عرایض بنده را بنویسند سعی بفرمایند که عین اظهارات بنده را بنویسند و اختیار بدهد بامامور خودش بمستشار خودش که قیمت صادرات خودش را بیاورد پائین عرض کردم امروز مصرف محلی ما آنچه امروز در ایران خارجی ها مصرف میکنند در حکم همان صادرات قبلی است که داشتیم خوب این چیزی که ما تازه میخواهیم برای خودمان در نتیجه چه میکنیم در نتیجه گرانی که اگر بخواهیم بگوئیم از آنطرف پائین بیاوریم بمردم هم صدمه است يك راههای دیگری هم دارد و آن راهها یکی این

است که ممکن است با وضع مالیات از مردم گرفت و مصرف داخلی مملکت کرد که قیمتها را ارزان فروخت یا اجناس موجود را از صاحبان اجناس مقداری را با وضع قانون گرفت و مصرف کرد که قیمتها را بیاورد پائین و با کمک آنچه بجای میگیرد این ها راههای معدودی دارد و اگر دولت بخواهد این نظر ها را باید به متخصصین ما بفهماند که ما چه میخواهیم بنده شخصاً بخاطر دارم که سؤال کردم از آقای نخست وزیر در یکی از جلساتی که حضورشان نشرف داشتم که معلوم است مصرف متفقین در اینجا چه هست و مصرف خودمان چقدر از محصولات خوارباری و غیر خوارباری البته فرمودند که این را ما هنوز چیز نکردیم و نخواستیم خوب چطور میشود حالا با نخواستن يك همچو صورتی آنوقت يك همچو تصمیمی دولت بگیرد بدون توجه بیک همچو احصائیه عرض کردم که مملکت يك صادرات دارد و يك واردات و يك مصرف داخلی دارد صادراتش که در حکم مصرف متفقین است در آنجا و در صادراتی که بطور قاچاق از ایادی مختلفی که در این مملکت خرید و گرفته میشود و به قاچاق خارج میشود به ایادی دیگری شما میخواهید که قیمت صادرات را پائین بیاورید و از يك طرف تورم اسکناس دیگر بنده گمان میکنم باید درو تخته ها را بست دیگر چیزی باقی نمی ماند در خانه جنگ برای مملکت ما یعنی همه در حکم همان بیچاره و بدبخت و فلان رعیت خواهند شد که امروز هیچ ندارند بهر حال ما اگر يك قسمتی را اینطور کنیم بهتر است که همه را بیاوریم بیچاره کنیم و بدبخت کنیم این بنظر بنده خوب نخواهد بود از طرفی بنده این را عرض کرده ام و باز هم عرض می کنم که مستشارها بیایند از راه دیگری وارد شوند که با متفقین صحبت کنند که بیایند و مصرف خودشان را از دولت بخواهند که دولت با يك قیمتی احتیاجات آنها را تهیه کند و در مقابل بهمان تناسب هم جنس هایی که مورد لزوم است بخواهند و اینها خودشان در بازار از او خرید بکنند از این موضوع هم متأسفانه جز و عده از آقای شریدن و آقایان

دیگر چیز دیگری مانند بدیم حتی آقای شریدن گفتند که ما این کار را انجام کرده ایم گفتم پس خوبست اعلان بفرمائید در جرائد که ما مذاکرانی که با متفقین کرده ایم و قرار شده است که وجهاً من الوجوه خوار بار از او نخرند متأسفانه بنده عملی شدن و قطعی شدن این موضوع را نخواندم و ندیدم و بمالوه حالا هم ضرری ندارد در صورتیکه سابقاً این مذاکره را کرده اند حالا هم اعلان کنند متأسفانه گفتند که محتاج بیک مذاکرات ثانوی با آقایان است بهر حال جز وعده و وعید چیزی دیده نشد و در موضوع تنزل نرخ لیره وقتی به آقایان رجوع میکنند میگویند بله بما مربوط نیست و يك چنین وعده نگرداند و کاری بوده است که قبل از ما شده است و ما هم نتوانسته ایم عملی کنیم این از یکطرف از طرف دیگر من می شنوم که اجناس که وارد مملکت ما میشود بیک قیمت های زیاد فروخته میشود باین معنی که می شنوم جنس را جنس های ما اگر باین قیمت تنزل داده شود که در حکم صادرات است و از طرفی هم واردات ده برابر باشد یعنی قیمت را بنده میشنوم که امروز میاورند در این مملکت میفروشند متری سه تومان سی و هشت ریال امروز امروز غیر از ان موقعی است که مثلاً گندم بوده است یکمن دو قران خرواری بیست تومان و اگر بشود خرواری صد تومان تازه پنج برابر ترقی کرده است نسبت به قیمت سابق که آن قیمت ها هم قیمت تعبدی و مصنوعی بوده است نسبت بسایر قیمت ها اما از آنطرف آن پارچه سابق که متری دو قران بوده است شده است سه تومان ده برابر ترقی کرده است این عمل مملکت را بیک فلاکتی میندازد حالا اگر فلان قیمت عایداتش به جیب يك اشخاصی میرود این فرقی نمیکند بالاخره اینها هم در حکم عائله این مملکت هستند يك وقت هست که روی فرد صحبت می کنیم که منفعت به جیب چند نفر برود به جیب چند نفر و در این را میشود جلو گیری کرد که مراعات کنند و در این قسمت عرض می کنم اگر اختیاراتی هم داده میشود باین اختیارات بیک نفر ایرانی داده شود مخصوصاً وقتی که يك وزیر مسئول باشد یعنی اگر در جواب بنده گفته شود که

تمام اینها مراعات خواهند کرد بنده عرض می کنم که بنده در این مدت چه راجع به لیره و چه راجع به چیزهای دیگر هر چه وعده کردند عمل نکردند و بنده این قسمت را تضمین ندارم و اگر بنا باشد روی يك مصلحتی باشد یعنی آن کسی که صاحب اختیارات میشود تمام اینها مراعات کند و نفع کشور تمام کند بهتر این است که يك نفر وزیری که مسئول باشد در مقابل مجلس شورای ملی به او این اختیارات داده شود که اگر در نتیجه این عمل مملکت بکلی مفلس شد آنوقت بشود از يك کسی سؤال کرد که چرا اینطور شده و حالا از کی میشود سؤال کرد از کی استیضاح کرد بر فرض که از وزیر مالیه هم استیضاح شود خواهند گفت که به بنده که اختیار نداده بودند حالا هر کس وزیر مالیه باشد آقای اردلان باشد یا کس دیگر او فرض خیلی هم جدیت داشته باشند میگویند قراردادش را نقض میکنم حالا آن ضررهائی که وارد شده چرا شده روی هم رفته اگر بنده بخواهم وارد آن بحث بشوم یکساعت طول میکشد و وقت هم ضیق است و نمیخواهم وقت آقایان را بگیرم و همه آقایان بهتر از بنده میدانند و بنده بطور خلاصه میترسم که این کار علاوه از اینکه کمکی به تنزل معیشت عمومی نمیکند از طرفی هم باعث بدبختی بیشتری بشود از این گذشته عرض میکنم که خود دولت یعنی خود د کتر میلسپو در همان اوانی هم که شروع کرد بکار اولین چیزی را که ترقی دادند قیمت قند و سیگار بود با این حال میگویند که طرفدار تنزل معیشت عمومی هستیم و خودش باعث ترقی نرخ اجناس میشود اگر میگویند که گران تمام میشود باید گفت بانهائی که اینها را بامیفروشند چرا نمیگویند که قیمت را پائین بیاورید آقا چرا اینها را درست نمی کنید فقط برای آقای د کتر میلسپو اختیار میگیرید خوب از چیز هائی که انحصار دولتی است و مال خود دولت است اینها را هم گران میکنید و يك چیزهای دیگری هم که تولید خود ماست و جزو صادرات ماست این راهم بیک قیمت ارزانی تنزل میدهند آنوقت است که ما دیگر هیچ چیز نداشته باشیم دیگر چه عرض کنم.

وزیر پیشه و هنر (آقای بدر) - چون آقای تهرانی شرحی که فرمودند بیشتر مربوط باطراف و حواشی بود نه در متن قضیه البته بنده هم بهمین جهت جزئی توضیحات میدهم که بیشتر مربوط میشود بکارهای دیگر دولت يك موضوعی که فرمودند راجع به عدم لزوم وجود مستشارها بود خوب بنظر بنده در این قسمت وارد مذاکره نمیشوم بالاخره حاکمیت با مجلس شورای ملی است و یکمرتبه که اکثریت مجلس و مستشار آوردند دیگر مذاکره در این موضوع بنظر بنده مورد ندارد و بنده در این باب وارد نمیشوم اینکه فرمودند که ممکن است ما از مستخدمین خودمان استمداد کنیم این را بنده خاطر نشان میگردم مطمئن میکنم که داکتر میلسپو یا هر مستشاری که میآید این جا این خودش که به تنهایی که کار نمیکند البته مستخدمین مجرب خودمان هم هستند که بوسیله آنها اطلاعات تحصیل میکنند و بوسیله آنها هم اجرا میکنند پس آن نتیجه حاصل است و گمان میکنم نظر ایشان تأمین است و همین مستخدمین ایرانی هستند که از آنها اطلاعات کسب میشود و بوسیله آنها عمل میشود در این صورت تصور نفرمائید که تمام نقشه هائی که طرح خواهد شد فقط بوسیله خود میبشاران است بنده اطلاع دارم چه سابقاً چه حالا خود ایرانیها کاملاً کمک میکنند بکارهای آنها عرض کنم راجع به موضوع خواربار فرمودند که یکی از مستشارها الان متصدی خواربار است و از خواربار نتیجه گرفته شده است بنظر بنده این هم قابل توجه است راست است که در این مدت نان تهران آنطور که همه ماها آرزو داشتیم مرتب نشده است نه از حیث فراوانی و نه از حیث جنس ولی نمیشود گفت که تمام مسئولیت با آن مستشاری است که در آنجا است زیرا آقایان میدانند که در این قسمت موانع زیادی در کار بوده است از حیث کمی جنس بهر حال و يك دلیل این البته باید رسیدگی شود که او وظیفه خودش را انجام داده است سعی خودش را کرده است و آنطوریکه باید نان تهران خوب نشده است یا اینکه سعی خودش را کرده و موانعی در کار بوده است ولی بعقیده بنده او زحمت خودش را

کشیده منظورش هم این بوده است که واقماً يك خدمتی انجام بدهد حالا اگر نشده آنطور که همه ماها اطلاع داریم مربوط بخدمت لیاقت نبوده است و حالا بنده وارد نمیشوم و اما اینکه فرمودند که دخالت اینها در امور باربری باعث شده است که تفاوت زیاد قیمت جنس در محل تولید محصول و در محل مصرف بعمل آمده است این را بنده تصدیق ندارم برای اینکه علت این امر داشتن وسائل باربری کافی و نبودن انومبیل و لاستیک است چون خود آقایان میدانند که ما لاستیک بقدر کافی نداریم و دیگران بما میدهند (تهرانی - داشتیم از بین بردند) خوب اگر هم داشتیم و از بین رفته این مربوط به امروز نیست و عملی است که از شهریور ماه شروع شده و دیگر تمام شده است و البته آقایان اطلاع دارند که در سال ما چقدر لاستیک وارد میگردیم و البته لاستیک ارزان بود و وسیله تهیه اش هم آسان بود ولی امروز وسائل تهیه اش کم است و همه کس هم احتیاج به لاستیک دارد این است که اگر ما از حیث باربری در مضیقه باشیم مورد تعجب نیست برای اینکه ماهم مثل سایرین و بلکه یکقدری دورتر هم هستیم و البته این يك موضوعی است چون آقایان هستند الان هم کمیسیون در نخست وزیري تشکیل شده که اگر معایبی دارد باید اصلاح شود و اصلاح هم خواهد شد اما اینکه فرمودند که عوض اختیار آن مستشار با متفقین وارد مذاکره شود و از اینها يك استمدادی بکنند بنظر بنده این کار مستشار نیست و دست خود دولت است چون ما مستشار نیآورده ایم که با متفقین برای ما صحبت کنند او کرد دولت است اگر بهش امر شد که این کار را بکن باید بکنند والا حق ندارد وارد يك مذاکره بشود و لین را هم به آقایان اطمینان میدهم که نه این دولت و نه دولت های سابق از شهریور با بنظر منتها مانعی توانیم بگوئیم حالا که برای جلب و تهیه اجناس مورد لزوم این مملکت چه مذاکره ای کرده ایم که اگر بخوایم بگوئیم ساعت ها طول خواهد کشید و آن اندازه هم که ممکن بوده است تحصیل کرده ایم و البته آنها هم همانطور که بنده در جلسات قبل هم عرض کردم که سیاست بازرگانی دولت چیست اینها بایستی مطابق قرارداد و پیمان رفع احتیاجات ما را

بکنند در حدود توانائی خودشان و ما هم از آنها میخواهیم و باید بخوایم و هیچوقت هم نا امید نشده ایم و آنها هم در هیچ موقع نه از حیث مقدار نه از حیث توقع آنها هم بمانمایل خودشان را نشان داده اند که بما برسانند و اینطور نیست که کمتر از آنچه بتوانند برسانند باشند آنچه ما استنباط می کنیم آنها متمایل اند برسانند اگر هم اتفاقاً برسانده اند به اندازه که باید بیاید بواسطه محظوراتی بوده است که برای خود آنها بوده است ولی مادست نکشیده ایم و اقدام خواهیم کرد ولی چنانچه عرض کردم این با خود دولت است نه با مستشار و اینکه فرمودند راجع به پائین آوردن قیمت و طرفی که فرمودند اینها را هم میخواهیم عرض کنم که ما این کار را میکنیم ولی در این جا يك اختیاری خواسته شده که بوسیله آن اختیار طرق مختلفه را رسیدگی کنند و اجرا کنند برای اجرای آن مقصود برای رسیدن به آن مقصود و این فقط يك اختیاری است ملاحظه فرمائید این عمل تحصیل جنس با وضع مقررات در موضوع چیز های اقتصادی و بازرگانی بسته بسرعت عملش است و اینکه يك کسی اقدام را در موقع خودش بکند و این امر هم در هر جا ملاحظه فرمائید يك قوه زیادی بقوه مجریه میدهد که بتواند در موقع خودش این اقدام را بکند یعنی از ابتدائی که وضع غیر عادی پیش میآید بتواند آن اقدام را بکند ما هم در قسمت خواربار این اختیار را خواستیم منتها حالا می بینیم که سایر چیزها هم تقریباً اهمیت خواربار را پیدا کرده است و لازم است که اختیاری هم در این قسمت داده شود این است که ما نقاضا کنیم که يك همچو اختیاراتی داده شود منتها طرق مختلفه با اوست که او در نظر بگیرد چنانچه در لایحه ملاحظه فرمودید و مخصوصاً در خود هیئت دولت طرق مختلفه برای پائین آوردن سطح زندگی بود که نظر یاتی برای پائین آوردن قیمت بیان کرد که یکی دوتا نبود و خیلی زیاد بود و اینکه فرمودید دادن اختیار این نتیجه را نمیدهد این نه نظر خودش است و نه نظر دولت که صرف دادن اختیار باعث تنزل قیمت شود این اختیاری است برای اینکه بتواند تدبیر هائی در نظر

بگیرد و تنزل بدهد و این هم البته در موقع خودش هم مردم مطلع خواهند شد و هم مجلس شورای ملی مستحضر خواهند شد که آیا این تدبیر صحیح بوده یا نبوده است مقصود این است که نظر آقایان تأمین است فرمودند که چندی قبل از آقای نخست وزیر سؤال شده است راجع بمصرف متفقین عرض می کنم این مصرف متفقین نه اینکه به فکر آقایان بوده است بفکر همه بوده است و بنده وقتی که وزیر دارائی بودم صحبت کردم و حالا هم موافقت حاصل شده است که همه احتیاجات خودشان را به اطلاع دولت خریداری کنند و طوری هم احتیاجات خودشان را خریداری کنند که باعث مضیقه آن محل یا اصلاً باعث مضیقه بازار تجارت نشود و همینطور اجناسی که میخواهند از گمرک بگذرانند چه اجناسی است و چه چیزها را خریداری کنند و اغلب چیز هائی که لازم دارند با اطلاع دولت برسانند و حتی چیزی هم که خیلی قلیل باشد آنرا هم حتماً با اطلاع دولت برسانند بنده گمان میکنم که یکی از طرفی که آقای رئیس کل دارائی برای تنزل قیمتها و تثبیت قیمت هادر نظر بگیرد شاید یکیش همین باشد که آنها هم خریدشان را با يك ترتیبی بکنند که موجت ترقی جنس نشود و یقین هم دارم که عمل خواهد کرد حالا بنده نمیدانم ولی آنچه که نظرم رسید بدون این نمیشود که يك نظم و ترتیبی قرارداد و قطعاً در نظر گرفته شده و عمل خواهد کرد يك موضوعی را فرمودند که بنظر بنده خیلی مهم می آید و آن این بود که اگر ما برای قیمت های داخلی خودمان محدود کنیم و تثبیت کنیم در صورتیکه این همان اجناس است که سابقاً ما میبایستی صادر کرده باشیم این يك ضرری است که بخودمان زده ایم خوب این يك عقیده است ولی بنظر بنده آن مصرفی که آنها میکنند که در واقع جزو صادرات ما است صادرات ما نسبت آنچه خودمان مصرف داریم بقدری تناسب او کم است که اگر قیمت مصرف افراد را پائین بیاوریم نمیتوانیم تحمل کنیم اگر ملاحظه فرمائید چندین میلیون ده میلیون دوازده میلیون مصرف دارند فرض فرمائید عده خارجی که در این جا هست فرض فرمائید صد هزار

است مصرف صد هزار نفر که بقول آقا مثل صادرات میماند بنده هم با ایشان هم عقیده هستم اگر کم بشود و مصرف دوازده میلیون و قیمت ها شان هم تثبیت بشود (تهرانچی خروج قاچاق هم هست ضمیمه کنید خیلی میشود) این يك نظری است ولی بعقیده بنده این نظر موجب این نمیشود که در اساس قضیه که تثبیت و تقلیل قیمت باشد ما تحمل کنیم و اینکه آقا فرمودند که ما اینها را پائین بیاوریم ممکن است نظر ما برای نفع آنها باشد این بنظر بنده يك بدبینی زیادی است که ممکن است که در تمام این مملکت ما بخواهیم قیمت ها را پائین بیاوریم و شاید بیست هزار نفر هم از این راه استفاده کنند آنقدر کوتاه نظری را ما نداریم (تهرانچی بنده اینطور عرض نکردم) نظر ما این است که يك رفاهیتی برای مردم حاصل شود و واقعاً قیمت ها تثبیت شود که دیگر هر روز که انسان بلند میشود به بیند زندگانی یکجور دیگری شده است این نظر دولت است که برای رفاه عامه است و روی این نظر هم کار میکنیم گویانکه دیگران هم از این استفاده بکنند یا نکنند چیز دیگری هم که فرمودند آقا راجع به ترقی دوقره کالای انحصاری بعد از ورود کمتر میلیسپو یکی قند و یکی سیگار بود راجع به کالاهای انحصاری عرض میکنم آنقدری که تمام میشود همان نرخ تمام شده است بعلاوه نفعی که در نظر میگیرند برای جنس های ضروری حالا به بینیم سیگار هم جزء اجناس ضروری است که بدون سیگار نمیشود زندگانی کرد یا بدون ضرر نمیشود زندگانی کرد این را دولت جزء اجناس ضروری تلقی نمیکند و اجناس ضروری از قبیل قند و چیزهای دیگر هم اگر زیاد شده آقا مطمئن باشند که اگر هم زیاد شده بعلت اضافه است که امروز در خرید لیره و باربری اضافه میشود آخر ملاحظه بفرمائید ما این اجناس را از خارجه میآوریم دولت هم که نمیتواند زیاد متضرر شود و مجبور است که يك نفعی بآن بیفزاید که ضرر نکند این البته سیاست دولت است که اجناس انحصاری که در دست دولت و مورد احتیاج عامه است اگر هم اضافه شود بواسطه اضافه است که هر روز پیش میآید ولی در

اجناس غیر ضروری البته این نظر نیست حالا بنده میخواستم يك توضیحات بیشتری خدمت آقایان عرض کنم و حالا فقط باین اندازه اکتفا میکنم و اگر مطالب دیگری باشد با کمال افتخار جواب عرض میکنم.

رئیس - آقای آزادی.

آزادی - عرض میکنم که اینجا يك مطالبی راجع به مستشار هائی خارجی گفته شد هر چند مربوط باین لایحه نیست چون این لایحه مربوط باختیارات مستشار است برای اینکه سوء تفاهمی در اذهان نشود بایستی تذکر داد بنظر بنده استخدام مستشاران خارجی بزرگترین قدمهایی است که برای اصلاح این مملکت برداشته شده است زیرا ما احتیاج بيك عده مستخدمین فنی داشتیم که اگر نمیشد ما نمی توانستیم با اصلاحات موفق شویم موضوعات اخیر چندین ساله کشور که دولتها دست زده بودند و یکسره اوضاع اقتصادی ما دچار وقفه شده بود همه اینها مستلزم این شده بود که ما دست بزنیم به اینکه يك مستشار هائی از خارج استخدام کنیم ولی این موضوع مربوط با استخدام مستشاران خارجی نیست موضوع را باید تفکیک کرد چون این مستشاران در سابق هم در این مملکت هم مستخدم بوده اند در این چند سال که بوده اند بشهادت همه تصدیق دارند که خدمات بزرگی باین مملکت کرده اند بنا بر این بایستی نسبت بخدمات د کتر میلیسپو قدر دانی کرد و روی آن قدر دانی و سوابق است که دولت او را استخدام کرده است و آورده است برای این کار اما راجع بموضوع اختیارات بایستی دو موضوع را صحبت کرد و روی دو قسمت این را حل کنیم موضوع گرانی زندگانی يك قسمتی بود که مورد توجه تمام نمایندگان محترم بود و همیشه یکی از علل خورده گیری بیدولت این بود که چرا دولت در قسمت پائین آوردن هزینه زندگانی اقدامی نمیکند حتی استیضاح کردند سؤال کردند از هیئت دولت و یکی از ایرادات این بود که چرا دولت در قسمت پائین آوردن هزینه زندگانی يك اقداماتی نمیکند راجع به هزینه زندگانی این را بایستی با يك اقدامات علمی و اصول اقتصادی حل کنیم همانطور که در سایر ممالک هم می بینیم

و میخواهیم که مثلاً در امریکا با آن وسائل که دارند باز هم مثلاً رئیس جمهور امریکا برای پائین آوردن هزینه زندگانی يك اختیاراتی از کنگره میگیرد و از آن اختیارات برای هزینه زندگانی يك اقداماتی میکند و همینطور سایر در ممالک اروپا که در اثر جنگ هزینه زندگانی ترقی کرده است اختیاراتی میگیرند و يك اقداماتی میکنند ما هم البته چون تشکیلاتمان اقتباس از تشکیلات ممالک متقدمند دنیا است همانطور که آنها اقدام میکنند ما هم باید بکنیم بنا بر این بنده با اختیاراتی که بد کتر میلیسپو داده میشود موافق هستم در اینکه بایستی از ترقی هزینه زندگانی جلوگیری کرد شبیه نیست البته آقایان در قسمت اصلاحات زندگانی مراجعه با يك مشکلاتی هستند و مخصوصاً در قسمت يك اثر ادبی مثل کارگران و مستخدمین دولت که يك عایدات ثابتی دارند و بایستی با همان عایدات ثابت لباس بخرند و حوائج زندگانی خودشان را تأمین کنند و روز بروز هم يك طوری گرانی شده است و يك اشخاص بی انصاف و از خدا بی خبر بدون اینکه توجهی داشته باشند به حوائج عمومی روز بروز بر قیمت لوازم زندگانی اضافه میکنند که عنقریب کمز همه زبر این بارسنگین خم خواهد شد البته باید در این موضوع فکری کرد و راهش هم همین اختیارات است و این اختیار هم از اختیارات سابق وسیعتر نیست بنا بر این اینکار بایستی زودتر تمام شود که ما به نتیجه برسیم عجله عرض بنده همین بود.

رئیس - آقای طوسی.

طوسی - عرض کنم در بداهت امر اگر سؤال شود بنده از آقایانیکه تشریف دارند میپرسم که سبب ایجاد این فکر و این اختیارات چه بوده قطعاً خواهند گفت که در اثر سختی نان و امر معیشت این احتیاج پیدا شده است.

حریری - موضوع نان تنها نیست آقا.

طوسی - جای صحبت اینجا است آقا. اجازه بدهید. بعد تشریف خواهید آورد اینجا و بیانات خودتان را خواهید فرمود (صحیح است) اگر تصدیق فرمودید این موضوع را

بنده میخواهم تذکر بدهم و ضمناً خاطر آقایان را بدو موضوع متوجه کنم یکی از آن موجهاتی که سبب این عمل یعنی سختی نان شد همین وجود اداره باربری است (صحیح است) که کراراً اینجا صحبت شد که اگر کامیونها وسائط نقلیه در دسترس مردم بود و آزادی بود و حمل میکردند و جنس میآمد نه ترقی سطح زندگانی باینچائی که الان رسیده است میرسید و نه این ترتیبات پیش میآمد متأسفانه توجه دقیقی باین عریاض نشد و بنده میخواهم خیلی کوچک بکنم عریاض را و مختصر عرض کنم. یکی دیگر هم موضوع احتکار بود و چون میدانم بعریاض توجه دارید با اینحال خلاصه میکنم عریاض را از نظر اینکه می بینم توجه دارند یکی موضوع فرض احتکار است یا خود احتکار موضوع احتکار هم همان بود که قوانین بسیاری گذشت از مجلس حتی قانون منع احتکار گذشت ولی بطوریکه بنده اطلاع دارم از قانون منع احتکار کوچکترین قدمی هم بسمت اجراش برداشته نشده است اگر يك پرونده هائی هم تشکیل شده البته برای يك اشخاصی بوده که مثل بنده بی دست و پا بوده اند ولی برای اشخاص لایق و قادر و با دست و پا بهیچوجه نه در محکمه حاضر شدند و نه رسیدگی به کارشان شد مثلاً يك قضیه را بنده شنیده ام که در اینجا برای توجه خاطر آقای وزیر خواهر بار عرض میکنم گفته شد یکی از روزها در موقع بسیار سخت نان که در تهران یکروز عمل نان معلق مانده بود سراغ کرده بودند در يك جائی که یک نفری صد خروار گندم دارد به آن شخص مراجعه کرده بودند در همان حین که قانون منع احتکار هم بود مراجعه کردند باو که آقا تو گندم داری وضعیت شهر هم این است کمک کنید بمردم گفت من نمیتوانم بدهم من از برای رفع حوائج خیریه تهیه کرده ام حالا هم اگر شما میخواهید این صد خروار گندم را بشما بدهم ولی در عوض شما صد خروار برنج دمسیاه بمن بدهید. گندم در آن موقع شاید خرواری سیصد تومان بود و برنج خرواری هزار و دویست تومان بود بالاخره آنقدر عمل کردند روی او که ملجاء شدند و مجبور شدند صد خروار گندم را از او گرفتند و صد

خروار برنج باو دادند لابد آقای وزیر خواربار باین پرونده مراجعه فرموده اند یا مراجعه خواهند فرمود. خلاصه آن برنج رفت در بازار و خرواری هزار و دو بیست تومان فروخته شد قانون منع احتکار هم وجود داشت ابتدا هم بهش توجه نشد (طباطبائی - پس برنج دم سفید بود) بنده دم سیاه شنیدم شاید هم دم سفید بوده است (خنده نمایندگان) در قانون منع احتکار در ماده ۶ میگوید صدور خواربار و اقسام دامها از کشته و زنده و بطور کلی کالا های مورد احتیاج عموم از کشور ممنوع است. این ماده شش قانون منع احتکار است اگر بنده سؤال بکنم که واقعا این ماده ۶ قانون منع احتکار اجرا شده و یا نشده نمیدانم جواب خواهند داد شده است یعنی از کشور چیزی خارج نشده و دام کشته و زنده از کشور نرفته است بیرون؟ اگر نرفته است البته خواهد فرمود و بنده قانع میشوم عرض کنم البته بطور کلی با این ترقی فوق العاده سطح زندگی هیچکس نمیتواند مخالف باشد که يك مقررات قطعی بقی خوبی تهیه بشود از برای اینکه سطح زندگی تا مقداری که میسر است پائین بیاید مطلبی که اینجا هست و چنانچه آقای تهرانچی هم فرمودند یکی این است که فرمودند مدت نامحدود است و بعقیده بنده هم نام محدود است بنده در کمیسیون پیشنهاد کردم مدت را تا نیمه آبان ۱۳۲۲ بکنند فرمودند وقتش کم است بنده میخواهم عرض کنم ما مسئول دوره سیزدهم هستیم اگر بدوره چهاردهم افتادیم تکلیفش با کسی است با خود دوره چهاردهم است بما مربوط نیست (آزادی - قوانین همه همینطور است) بعضی ها غیر از این است و دیگر اینکه این يك قراردادی است قوانین را شما که اجرا نمیکنید آن دست دیگری است البته دولت خودش اختیار بگیرد یا يك هیئت دیگری باشد مانعی ندارد بنده میخواهم عرض کنم که آقای دکتر میلسپو بد کار کرده اند خیر خیلی خوب کار کرده اند نمیخواهم بگویم که طرف اعتماد نیستند خیر طرف اعتماد هم هستند ولی چنانچه گفته شد اگر ما نخواهیم يك سؤال بکنیم از دولت خیال نمیکنم خالی از اشکال باشد و من خیال اگر اکل از قفا پیدا نمیشد و دور

تسلسل پیدا نمیشد و خود دولت این کار را میکرد و قبول میکرد بهتر بود اما در موضوع مشورت اینطور که معین شده دو نفر از نمایندگان ایشان انتخاب بکنند سه نفر شما انتخاب بکنید اینجا بنده خیال میکنم بی اثر خواهد شد اینها وارد کار و عملیات که میشوند و نتیجه هم که نمیگیرند برای اینکه دو نفر نمایندگان محترم شاید در مطالب در اقلیت واقع شوند و علاوه این مشورت است زیرا که اختیار به شخص واحد داده شده است اگر اختیارات به دولت داده میشد و یا به يك هیئتی داده میشد بنده بیشتر راضی میشدم. عرایض دیگری هم در موضوع این لایحه دارم که باید بعرض آقایان برسانم و در مواد که وارد شدیم عرض میکنم شور دوم هم اگر بشود در آنجا هم عرایض را در هر ماده خواهیم کرد عرض کنم بطور کلی من میخواهم عرض بکنم که آن کسی که ما اختیار باو میخواهیم بدهیم باید طرف اطمینان باشد و حقیقه طوری باشد که بشود چیزی برای ما فراهم گردد. (صحیح است).

رئیس - آقای وزیر خواربار فرمایشی دارید. (بعضی از نمایندگان - کافی است).

بهبهانی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

طباطبائی - بنده هم مخالفم. اجازه بفرمائید صحبت کنند **وزیر خواربار** - راجع به بیانات آقای طوسی مخصوصاً

در آن قسمتی که مربوط به قانون منع احتکار بود و ماده ۶ آن قانون را مدرك استدلال خودشان قرار دادند برای خروج دامهای زنده و یا کشته از مملکت آن قسمتی که مفید بود برای استدلال ایشان ذکر کردند و قسمت دیگر که جواب ایشانرا میداد که عبارت از تبصره همان ماده ۶ است گمان میکنم فراموش کردند بخوانند حالا بنده عرض میکنم تبصره ماده ۶ عبارت از این است: دولت برای کالاهائیکه زائد بر مصرف تشخیص دهد میتواند اجازه صدور دهد (طوسی - زائد باشد بله) دولت تشخیص میدهد و این وظیفه دولت است و اگر چنین چیزی بوده است البته دولتهای وقت تشخیص داده اند آنچه هم تشخیص داده اند مربوط

بذوات سابق است و از اینکه بگذریم (طوسی - دولتهای وقت قابل محاکمه اند) نمیدانم آقا اما راجع با اجرای قانون منع احتکار اداره مسئول اجرای قانون منع احتکار برای اجرای این قانون از انجام وظایفش تا کنون هیچ کوتاهی نکرده است ولی چون این قانون و آئین نامه آن که برای اجرای آن از کمیسیونهای مربوطه مجلس گذشته است متناسب با اوضاع و احوال امروزه نیست زیرا که تصور میکنم همه افراد ایرانی متوجه باین نکته باشد که اوضاع فعلی مملکت ما در اثر جنگ عمومی دنیا اوضاع غیر عادی است گرچه ما داخل در جنگ نیستیم ولی متأسفانه از مصائب و بدبختی های این جنگ بی بهره و نصیب نیستیم بنا بر این قوانینی که وضع میشود یا آئین نامه های مربوط به اجرای آن قوانین باید طوری باشد که تسریع کند عملیات را نه اینکه اسباب بطوء و کندگی کار بشود بنده در اثر مطالعاتی که در این مدت کردم باین قسمت بر خوردم که این قانون محتاج باصلاحاتی است و نتایجی که تا کنون گرفته نشده است مربوط بطرز اجرای این قانون از حیث کندی بوده است زیرا وظیفه این اداره این است که اشخاص متخلف را پیدا کند بعد پرونده تنظیم کنند بفرستد بيك انجمن اولی که او رسیدگی کند به بیند آن شخص قابل تعقیب هست یا نیست انجمن تأمین خواربار اسمش است از آنجا اگر آن انجمن مصلحت دید که يك شخصی را قابل تعقیب بداند باید به دادگاه دیگری بفرستد و اشخاص زیادی در این مدت به آن انجمن و بآن دادگاه فرستاده شده و اکثر آنها تبرئه شده اند این در تهران در خارج تهران هم در این مسافرت مختصری که بنده کردم در همه نقاطی که مأمور خواربار هست مأمور اجرای قانون منع احتکار هم هست در آنجا باید بدادگاه رسمی احاله کنند و آنها بوظیفه خودشان عمل کرده اند البته دادگاه رسیدگی میکند و این رسیدگی چقدر طول خواهد کشید آن را دیگر البته خدا میداند مثلاً این موضوع را میخواهم عرض کنم اخیراً در اثر توزیع نان در این شهر در ظرف سه روز پنجاه و دو نفر متخلف

تشخیص شده است که اکثر آنها نانهای سیلو را بيك وسایل غیر مشروع تهیه کرده بودند و میفروختند آنها را متخلف تشخیص داده است اداره و پرونده درست کرده است و به آن دادگاه مربوط فرستاده است حالا نمی خواستم در این موضوع وارد شوم بلکه میخواستم این صحبتها را در موقعی بکنم که يك لایحه تقدیم مجلس بکنم که این مشکلات را مجلس شورای ملی رفع کند (انوار - آن دادگاه هم متخلف را رد میکند) (خنده نمایندگان) چون ما حالا برای این کار محتاج به تسریع در عمل هستیم مخصوصاً در موقع امرنان که يك امر حیاتی است که با هزار زحمت و خون دل بيك مقداری گندم و آرد از خارج باید تهیه کرد و آورد در اینجا از وقتی که این آرد از سیلو و انبار بیرون میآید تا وقتی که نان بدست مردم میرسد دستهای زیادی در این کار وارد میشود که اینها باعث بدبختی اهالی این شهر هستند و این دستها بعقیده بنده با این طرز عادی محاکمات ما قطع نمی شود (صحیح است) اینهم مربوط به قانون منع احتکار (امیر تیمور - کاملاً درست است) و بنده بخشید در اثر این جریانانی که مشاهده کردم میخواهم عرض کنم که این قانون منع احتکار در واقع تثبیت احتکار شده است بنده اساس قانون را عرض نمیکنم اما بلکه اجرایش را عرض میکنم اما مسئله که خیلی در این جا لازم است توضیح بدهم در خارج هم مسائلی راجع با اختیارات دکتر میلسپو میگویند که اگر این اختیارات را بدهیم مسئول کیست؟ مسئول خود - دکتر میلسپورا که نمی شود در مجلس حاضر کرد و سؤال کرد استیضاح کرد بنده میخواهم در این جا عرض بکنم که يك توجه مختصری اگر بلايحه کلی اختیارات دکتر میلسپو بشود این مسئله حل میشود و آن عبارت از این است که ماده ۸ اختیارات ذکر میکنند رئیس کل دارائی تحت نظارت کلی وزیر دارائی تصدی مستقیم نسبت بکلیه اداره امور دارائی خواهد داشت مشارالیه با تصویب وزیر دارائی اختیار تام دارد که چه کند و چه کند وزیر دارائی در هر حال مطابق قانون اساسی مسئول مجلس شورای ملی است

و برطبق این اختیارات ناظر اختیارات دکتر میلسپو و هر کسی است که این اختیارات را داشته باشد نظارت یعنی چه؟ نظارت معنایش این است که مراقبت بکنند وزارت دارائی در اجراء و انجام این اختیارات اگر چنانچه دید اجرای این اختیارات مخالف مصالح مملکت است آنها را دارد نباید دعوی بکنیم نه باید جنجال بکنیم راه دارد راهش را هم این اختیارات تعیین کرده است و تصویب مجلس شورای ملی رسیده است ماده ۱۵ اختیارات سابق را عرض میکنم نه این را هر گاه در تفسیر و اجرای این اختیارات و وظایف اختلافاتی ایجاد شود رئیس کل دارائی مکلف است برای حل و فصل این قبیل اختلافات با دولت تشریح میکند نماینده و در صورت بقاء اختلاف طرفین نباید قبل از اطلاع مجلس شورای ملی اقدامی نمایند بنا بر این در این اختیارات اولی یعنی در این لایحه استخدام او که تصویب شده است این طریق هست و در این لایحه جدید هم ما خواه ذکر بکنیم نخواهد نکشیم این اصل مسلم است پس نگرانی نباید باشد که اینجا مسئول نیست خیر مسئول هست وزیر دارائی است و بعد هم دولت است.

اوحدی - پس چرا این را آورده اند؟

وزیر خواربار - اجازه بدهید آقایاراجع به قند هم بنده شنیدم که آن ناطق محترم که در اینجا صحبت فرمودند اگر چه آقای بندر همکار محترم بنده توضیح فرمودند ولی چون بنده هم در این قسمت وارد بوده ام خواستم تذکری بدهم که ضمناً جواب ناطق محترم اول هم داده شده باشد بایک محاسبه دقیق که شد هر کیلو قند خورده ریال و هشتاد و سه دینار تمام میشود برای دولت آنوقت این را گفته اند دو تومان بفروشند که در واقع هشتاد و سه دینار تا صد دینار هفده دینار تفاوتش است این هفده دینار را هم تصدیق خواهید فرمود از نقطه نظر تجارت و اقتصاد هیچ چیز نیست و طبعاً هم يك كوری دارد پس باینجهت هر کیلو قند قیمت تمام شده اش دو تومان است و شکر هم یکریال کمتر است این حساب دقیقی است که هیچ گفتگو ندارد در اینجا بنده

وقت با متانت بيك نفر مأمور که حقیقه صدیق است نسبت به این مملکت این عمل را باو واگذار میکند باید در نظر داشته باشید که جنگ طبقاتی در این مملکت ایجاد نشود این عجیب است خیلی عجیب است که در این مملکت کسی توانائی زندگانی ندارد صبح يك قیمت ظهر يك قیمت عصر يك قیمت هیچ دلیالش هم معلوم نیست این مربوط بخارج هم نیست آقای (صحیح است) پس بنابراین باید تثبیت نرخ بکنند و این تثبیت نرخ بضرر آن اشخاصی است که تا حالا منفعتهای گراف برده اند (صحیح است) و تصور میکنم که دیگر جای هیچگونه شبهه برای کسی نباید بماند که دولت خودش را موظف میداند بهر قیمتی که شده است جلو گیری از تجاوز و تعدیات این نفع پرستان بکند و نرخ را بیاورد پائین تا جامعه ایرانی اقلاً از اینراه استفاده کنند (صحیح است).

بعضی از نمایندگان - کاتی است مذاکرات.

بهبهانی - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات.

سزاوار - بنده هم مخالفم.

رئیس - رأی گرفته میشود بکفایت مذاکرات موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. رأی گرفته میشود بوزود در شور مواد آقایان موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. آقایانی که تازه اجازه خواسته اند غالباً اسمشان در این صورت هست در موادی هم که نوشته اند همه منظور شده اند. آقای انوار

انوار - فرمایشات آقای وزیر محترم خواربار ایجاد کرد احساساتی را در مجلس که اگر بعبارتها هم نگاه کنیم های و هوئی میشود که ای فلانی مخالف است. مثلاً يك عبارتهای مفصل و تبصره های غیر لازمی در اینجا نوشته شده است که اگر بگویم آنوقت همه میگویند این هزینه زندگانی سنگین کمر همه را خم کرده است و فلان کس می رود مخالفت میکند آقای وزیر خواربار که سمت آقائی بنده دارند صحیح میگویند البته این هزینه زندگانی و سختی که برای مردم و برای تمام طبقات ایجاد شده است همه تصدیق دازیم ولی

اینها تصصیر کیست؟ تصصیر دولت بوده هم این دولت هم دولت قوام السلطنه و هم دولت سابق آقای سهیلی حالا عرض میکنم (صحیح است - صحیح است) هی آمدید از ماها اختیار گرفتید هی قانون خواستید مجلس شورای ملی هم با حسن عقیده با يك نظر موافقی گفت آقا چه اختیاری میخواهید هر چه قانون میخواستند اختیار میخواستند دادند آنها هم برداشتند و بردند چرا عمل نمیکنند؟ چرا اجرا نمیکنند؟ برای چه عمل نکردند؟

این جا آقای وزیر خوار بار گفتند که پنجاه و يك نفر تخلف کرده اند و پرونده دارند و ما رجوع کردیم بمحکمه و در آنجا مانده است. بنده از آقای وزیر داد گستری سؤال میکنم که این محکمه شما مگر رب الففور واقع شده است که همه را تبرئه میکند؟ چرا طول میکشد؟ چرا اینجور محاکمه میکنند؟ چرا منع تعقیب میدهند؟ چرا این ترتیب محاکمات درست نیست يك جا نشده است که تعقیب کرده باشند يك گرانفروش يك متعدی را در آنجا برده باشند و ظاهر بیرون نیامده باشد. اینطور نباید باشد آقا.

این تصصیر مردم است یا تصصیر مجلس که اختیار ندادیم؟ ما که اختیار هم دادیم. پس تصصیر با کیست؟ با دولت است. وقتی که وزراء. حفظه الله (خنده نمایندگان) اختیارات خواستند قانون خواستند مجلس داد و اختیارات که داده میشود میبرند در وزارتخانه در اطراف و حواشی آنجا میافتد و بدون اجرا میماند. این تصصیر با کیست با مجلس و مردم است؟ حالا بینی بین الله این را نه از روی چیزی عرض میکنم سه چهار نفر وزیر در این کابینه هستند که واقعاً خیلی خوب جدیت و عمل میکنند مثلاً اقدامات آقای وزیر در راه آهن خیلی حقاً قابل ستایش است و همه میدانند (صحیح است) کاری میکنند کار هم میشود کرد مثلاً آقای وزیر خوار بار رفت آنرا بایجان اقدام کرد و شد جدید هیچ مانعی هم ندارد همانطور که آقای امیر تیمور گفت شما بروید کار کنید ببینید کی جلوی نا را میگیرد آنوقت بیائید از مجلس اختیار بگیرید اختیار الف و خ و ت و ی و الف و ر. این چه فایده دارد

در همین کابینه آقای سهیلی عرض کردم ما لری میگوئیم رقم رقم میخواهد شما اینجا رقم میگیرید آقا رقم باید داشته باشید رقم عبارت از قدرت دولت است توانائی دولت است ملاحظه از دشمنی نکردن دشمن و خجالت نکشیدن از دوست است. برخلاف شما (خنده نمایندگان) سر ماده اول عرض میکنم قوانینی که ما گذرانیدیم و همین جور هم آقای دکتر میلسپو ملتفت بوده است که در این ماده بیان کرده است در ماده دوم مواد قوانینی که میتواند به آن تمسک بجوید و بآن عمل کند معلوم میشود که مجلس تمام این قوانین را حاضر کرده است با اینکه این قانونها حاضر است و چیزی زاید هم نیست و قانون منع احتکار هم در کابینه آقای سهیلی گذشت و قوانینی هم که در کابینه آقای قوام السلطنه که همه جور گذرانده بودیم دیگر با این قوانین محتاج بقوانین فوق العاده نیست دولت مطابق همین قوانین که همه در قانون بهشان اختیار داده بودیم و هم اختیار داشتند که بروند این کارها را اجرا کنند و عمل کنند حالا در اینجا آقای وزیر محترم خوار بار فرمودند که دولت مصلحت دانسته است مأمور خودش را میلسپو قرار دهد این چه ربطی بمجلس شورای ملی دارد خوب دولت می خواهد عمل کند. دولت میخواهد قانون منع احتکار را اجرا کند یا قوانین دیگری که در باب تجارت یا انحصار هست یا در باب مسائل متفرقه هست اجرا کند خوب اینها را مأمور اجرای خودش را دکتر میلسپو قرار میدهد راه سؤال و استیضاح هم برای ما باز است دیگر این اختیار برای چیست؟ الان آقای وزیر خوار بار گفتند ما میتوانیم سؤال کنیم. نمیتوانیم الان ما اختیار مطلق میدهیم و نمیگوئیم این اختیارات در تحت نظر وزیر دارائی است یا اینکه این اختیار در تحت مسئولیت نخست وزیر یا فلان وزیر باشد این اختیار را ما میدهیم بر رئیس کل دارائی ولی مسئولش کیست و کجا است؟ آن مسئولیت که فرمودید نسبت بقوانین دارائی است نه نسبت باین اختیار این يك قانون کلی است که تمام منابع ثروت خودمان را ما میدهیم باین آدم آنوقت مسئول این

مملکت کیست؟ دکتر میلسپو محل اعتماد بنده است اما اگر تخلفی واقع شد مسئولش کیست؟ پس بنده عقیده ام اینست که این قانون را هیچ احتیاج نداریم همان قانون منع احتکار و همچنین سایر قوانین دیگری که گذشته است که قانون تجارت باشد و قوانین دیگر کافی است برای دکتر میلسپو که اقدامات بکند و دولت هم مطابق همان قوانین مسئول ماست این عقیده بنده است و مطابق سوابق و نظامنامه چون حق داشتم که در کلیات صحبت کنم من عرایض خودم را کردم اما صحبت دیگر در عباراتی است که در اینجا هست یکی اینکه دوتا اختیار از کلمه اول تا آخر نوشته اند اختیاری که اینجا نوشته اند بر رئیس کل دارائی فعلی اختیار داده میشود بعد هم می نویسد تحت اختیار خود اداره کند و قرار دهد. همان اختیار اول کافی است و دیگر این زیادی است (خنده) پس از این موضوعات آمدیم سر این امر بخصوص خوار باری بنده نه از روی علاقه که با آقای تدین دارم از روی اعتمادی که بایشان دارم و خیلی خوب خدمت کرده است و جدا هم مخالف هستم در قسمت سوم و تبصره سوم و با این قدرتی که آقای تدین دارند و جدیتی را که بخرج داده اند در امر خوار بار خیلی خوب است که مجزا شده است و ایشان چون قدرت دارند و لیاقت دارند کار خوبی کرده اند حقیقه این آدم توانائی است مثل فرخ نیست که کتک بخورد مقتدر است توانا است میتواند جلوی مستشار را بگیرد و این عقیده بنده خیلی خوب است و با این تبصره سوم مخالفت می کنم بعد در قسمت وارد کردن و صادر کردن اجناس آقا اینجا بنده مثلا نسبت باولاد خودم گاهی اطمینان ندارم ندارم دیگر. ممکن است اینجا بفرستیم وارد و صادر کردن اختیار میدهم کلیه مواد خام و مصنوعات خودمان را اختیار می دهیم به آقای دکتر میلسپو (صحیح است)؟ خوب آقا دروغ که نیست جنگ است هر کسی هم باشد باز خودش را مقدم بر بنده میدانند این صادر کردن بنده این را گفتم در کمیسیون هم رفتم و گفتم که اضافه شود اجناس غیر ضروری که این سبب نشود که اجناس ضروری ما هم ناچار صدورش

را بد کمتر بدهیم همین جور وارد کردن مطلق جنس را وارد کردن من مخالف هستم باید اجناس ضروری را ما بنویسیم نه اجناس غیر ضروری نه اینکه فلان ماده خامی که خیلی اهمیت دارد در ایران ما از ایران خارج کنیم و از آنجا که کالا آورده اند چیز غیر ضروری وارد شود مثل همان چیزی که برای مبل است و خانه ما را خراب کرده و بنده با این مخالفم چون کلمه وارد کردن است باید نوشته شود در وارد کردن مصنوعات و اجناس ضروری است و در صادر اجناس غیر ضروری است این موضوع را پیشنهاد هم کردم و امیدوارم آقایان اعضاء کمیسیون هم در نظر بگیرند نکته دیگری که در اینجا نوشته شده است و این موضوع خانوادگی خود ایرانیهاست و در اینجا نوشته است و دستمزد کلیه کارگرها و خدمات را تحت اختیار و اداره خود قرار دهد اگر خدمات اداری و دولتی باشد صحیح است اما کلمه خدمات ما خودمان از ده مان از ولایت مان خدمتگذار می آوریم این مخارج که اینجا نوشته اند پس فردا این خدمتگذار این تو کر و این کلفت که با ما صمیمی بوده است میرود در تحت اداره و ترتیب دیگری و خوبست که این خدمات را هم اعضاء کمیسیون در نظر بگیرند محدودش بکنند و تعیین بکنند که مراد از دستمزد و خدمات چیست چون آزادی اشخاص را که نمیتوانید محدود بکنید و دولت هم نمی تواند اختیار مردم را در استخدام اشخاص در دست خود بگیرد و بگوید در تحت اداره ما باش چرا؟ این را هم بنده مخالف هستم آمدیم سر موضوع دیگر آقای وزیر داد گستری هم تشریف دارند راجع بموضوع مال الاجاره مستغلات میگویند ترتیب تنظیم مال الاجاره مستغلات. اجاره مستغلات را بنده کاملاً تصدیق دارم که بالا رفته است و يك روز در وقتی که لایحه بودجه میگذاشت عرض کردم این مسائل بهم دیگر منقبض شده است عرض کردم که دولت اجناس و مصنوعاتی که از کارخانجات خودش بیرون میدهد گران میفرودد و میگوید بواسطه گرانی مواد خامی است که از رعیت میخرود او گران میدهد رعیت هم میگوبد ملت هم میگوبد این مواد خام را

که ما گران میدهیم برای این است که آن مصنوع گران است این توقف براو دارد آن توقف بر این يك جا باید این دو را رها کرد ول کرد یا دولت میزان قیمت مصنوعات خودش را کم کند یا مردم که نمی توانند دولت باید پائین برود آن مصنوعاتی که در دستش است تا کم کم چیز بشود حالا در مستغلات هم همینطور است این صاحب دکلف یا صاحب خانه وقتی که بنا باشد آهک خروراری بیست و دو تومان کچ خروراری بیست تومان باشد عمله یکی سه تومان بناء هفت تومان باشد این ملك که خراب شد و میخواهد این را درست کند دیگر آن اداره این گرانی را در نظر نمیگیرد میگوید که در مستغلات باید برویم و سند ۱۳۱۸ و ۱۳۱۵ را در نظر بگیریم که چه جور بوده است هر چه در آن وقت بوده حالا هم همین جور واقع میشود این نهایت بی انصافی است این است که مسلم میدانم این مستغلات را به اعتبار توجه کردن آمده اند تمام را تحت نظر میگیرند اما شما بدانید که در این باب يك ضرری وارد می آید و با آبادی مملکت شما وقتی که میخواهید محدودش کنید آبادی مملکت از بین میرود توانائی از شرف میرود بدست کردن خانه دیگر نمیپردازند بنده قبول دارم این خیلی بالا رفته است ولی این را هم در نظر بگیرید که اگر خراب شد دو مرتبه که میخواهند درست کنند چقدر خرج دارد؟ نسبت باجناس صادراتی هم که عرض کردم پیشنهاد است میرود برای شور دوم در آخر تبصره سوم در مورد آن قسمت از مواد خواربار که به تشخیص اداره است چون آقا ما دیروز در کمیسیونی که آقای وزیر تشریف داشتند خودتان هم تشریف داشتید آقای رئیس کل دارائی هم تشریف داشتند معلوم شد که خوارباری که دست شما هست گندم است و جو و ذرت حالا ذرت را شما موافقت کردید که پخشیده بشود بواسطه اینکه يك جنسی هست که باید پخشیده شود و تکثیر بشود و تقوینش باید کرد که در مملکت ما زیاد بشود جو را هم رحم کردید به الاغهای مردم که نسبت به جوهم يك مرحمتی شد که مالهای ما از این نکبت

بیرون بیایند پس چیزی که در دست شما باقی مانده گندم است این دیگر آن قسمت که باید در تحت نظر او باشد چه است چیزی باقی نمانده این تبصره را ببندید کنار و بنده با این تبصره سه مخالف هستم و این يك ضرری است برای شما که دست شما را بند می کند و هر وقت شما خواستید توسعه در امور خواربار بدهید فلان ماده و فلان کلمه جلوی شما را میگیرد این است عرض بنده و این تبصره را از ماده سوا کنید.

سخنبر - (آقای افشار) آقای انوار وقتی که پشت تریبون تشریف می آورند و وجودشان حقیقه محترم است برای اینکه اعصابشان را با فرمایشات ملیح خودشان بحال دیگری در می آورند و هم يك منظره و چهره دیگری بخود میگیرند از اینجهت بنده از فرمایشات ایشان متشکرم و همیشه باعث تفریح خاطر محترم آقایان نمایندگان است و اینکه میفرمایند با وجود قانون احتکار و سایر قوانین دیگر که در سال ۱۳۲۰ و ۲۱ بتصویب رسیده این اختیار دیگر ازومی ندارد بنده هم لازم است خاطر محترممان را باین نکته جلب کنم که قوانین موضوعه و مخصوصاً قانون احتکار بدولت اختیار میداد که در نقاطی که احتکار میشود جلو گیری از آن احتکار کند و محترکین را جلو گیری کنند ولی فی حد ذاته يك اداره لازم است بقول فرانسویان يك اورگانیزم لازم است که این اورگانیزم و این اداره سیاست اقتصادی و تجارتي مملکت را در دست بگیرد و اداره کند و نگذارد اجناس حیف و میل شود و مایحتاج صادر شود بادر مملکت بمنظور قاچاق پنهان کنند و در دسترس مصرف کنندگان نیابد بهمین جهت دولت و مجلس و میخوام عرض کنم اکثریت مملکت از آنکه بسوابق د کتر میلیسپو اطلاع دارند و اطمینان دارند در نظر دارند که اختیاراتی برای اجرای این منظور بخود د کتر میلیسپو داده شود که اقدامات و عملیات او منافی عملیات دولت نباشد یعنی بطرز مستقیم و مستقر بالاستقرار در مدتی که جنک ادامه دارد و سیاست اقتصادی و تجارتي ما را اداره کند البته قانون منع احتکار کافی نبود برای این منظور زیرا قانون منع احتکار

از نقطه نظر حقوقی يك آلتی بود در دست دولت و لسی يك مؤسسه را بوسیله آن قانون تأسیس نمی کردیم که آن مؤسسه ناظر اعمال تجار و اعمال محترکین و غیره باشد بهمین جهت این قانون آورده است يك اداره را اداره مخصوصی را که مورد اعتماد دولت بوده است آن اداره منظور آن قانون و قوانینی که تصویب شده یا فرستاده تصویب خواهد شد با میشود اجرا بکنند و جلو گیری از صدور کالاهای لازمه و پنهان شدن کالاهای مورد ضرورت بکنند و این که آقا فرمودند که اگر این اختیار بد کتر میلیسپو داده شود مسئول در مقابل مجلس شورای ملی کیست آقای وزیر خواربار جواب قانع کننده در این مورد دادند بعقیده بنده اگر در این باب بنده هم عرض بکنم تکرار و مکررات خواهد بود اساساً د کتر میلیسپو مستخدم دولت ایران است اساساً ما هر گونه اختیاری که بد کتر میلیسپو بدهیم این اختیارات مانع از مسئولیت میلیسپو در مقابل دولت نیست مجلس هم مطابق قانون اساسی ناظر اعمال دولت و ناظر تمام جریاناتی است که در مملکت میشود مخصوصاً در ادارات دولتی اگر يك اموری واقع میشود که بر خلاف مصالح کشور است فوراً مجالس از دولت استیضاح میکنند و دولت را وادار میکنند که جلو گیری کند اگر هم جلو گیری نشد مطابق اختیاری که مجلس دارد فوراً این اختیار را لغو و جلو گیری می نماید پس بهیچوجه نگرانی برای ما در این باب نیست که مسئولی در بین نباشد خیر مسئول هست نخست وزیر و وزیر دارائی و تمام دولتها را میتوانیم استیضاح کنیم و نگذاریم کارهایی بشود که برخلاف مصلحت باشد این که آقا فرمودند راجع به تبصره سوم ماده اول قانون این تبصره را اگر دقت فرموده باشند در لایحه پیشنهادی دولت نبود و این تبصره بنا بر تقاضای اعضای کمیسیون قوانین دارائی و کمیسیون قوانین بازرگانی در خود کمیسیون اضافه شده و ما تقاضاً کردیم نظر به اعتمادی که بد کتر میلیسپو داریم ایشان يك توجهی هم در موضوع امور خوارباری داشته باشد د کتر میلیسپو

جواب داد چون وزارت خواربار ما داریم و تشکیلاتی آنجا هست صلاح نیست که این تشکیلات بهم بخورد در این موقع من در این قسمت مداخله کنم که باعث تزلزل امور وزارت خواربار بشود ولی من حاضریم باموافقت نظر وزارت خواربار آن قسمت از خواربار را که مربوط بکار گندم و جو نباشد و دولت مشغول خریداری باشد از قبیل قند و شکر و غیر ذلك که مورد مذاکره است که کیلوئی دو تومان است و در بازار چهارده تومان میفروشند این قسمت را تحت توجه خودم قرار بدهم که کاری بکنم که قند و شکر و سایر مواد خواربار که از این نوع هستند با موافقت نظر وزارت خواربار بطوری تحت نظر گرفته شود که در این قسمت اضافه نشود و از ترقی قیمت آنها جلو گیری شود بنابراین بعقیده بنده هیچ جای نگرانی نیست صدمه هم بمسائل خواربار نمی رساند بکارهای اساسی آنجا هم ضرری نمی رساند این که فرمودند وارد کردن و صادر کردن اجناس را چطور تحت نظر د کتر میلیسپو قرار بدهیم بنده عرض میکنم که اگر بنا باشد که اجناس مورد احتیاج ضروری ممکن است از مملکت خارج شود بنده بایشان عرض میکنم اگر بنا باشد که اجناس ضروری کشور از مملکت خارج شود بدون میل دولت ایران حالا هم این قضیه ممکن است بدون این قانون هم ممکن است که اجناس مورد احتیاج و ضروری را خارج کند و هیچ نمیتوان نسبت بآن جلوگیری کرد البته دولت خودش طرف اعتماد مجلس شورای ملی است دولت هم ناظر اعمال مأمورین خودش میباشد و تاحدی که دست دولت بر میآید و میتواند البته دولت مأمور است و مسئول است و مکلف است که جلو گیری بکند که اجناس مابه احتیاج مملکت صادر نشود و د کتر میلیسپو هم اگر این اختیار را بگیرد و در ماده اول این قانون اسمی از مواد صادراتی و وارداتی برده نشده است از این نقطه نظر نیست که این مواد را آزاد بگذارند بلکه منظور این است که برای تأمین حیات کشور لازم است به اینوسیله جلو گیری کنند و خود د کتر میلیسپو نظارت

کند که این اجناس را نگذارند صادر شود البته اجناس هم هست که صادر می شود اجناس لوکس از قبیل قالی یا چیزهایی که بهیچوجه در مملکت مورد مصرف فعلی را ندارد البته از صادر کردن این اجناس خود دولت اجازه خواهد داد و در مقابل آنها يك قسمت کالاهای مورد احتیاج به مملکت وارد میکنند ولی قسمت دیگر از قبیل مواد خوارباری قماش و چیزهای دیگر البته نه دولت و نه د کتر میلیسپو و نه اشخاصی که مأمور اجرای این قانون هستند اجازه نخواهند داد که از کشور خارج شود و این مورد بهیچوجه جای نگرانی نیست. اما راجع به تبصره يك و ماده اول این قانون که آقا فرمودند که با این تبصره موافقت ندارم عرض کنم که در خود قانون طرح پیشنهادی دولت بد کتر میلیسپو اجازه داده شده بود که نسبت به مال الاجاره مستغلات و دستمزد نظریاتی داشته باشد و در تحت نظر د کتر میلیسپو و اداره قیمت ها این قسمت هم تجدید نظر بشود ولی از این تبصره مقصود این نیست که مال الاجاره مستغلات را پائین بیاورند اینطور نیست اگر نظر مبارك آقا باشد ما يك قانونی در چند سال پیش وضع کردیم و آن راجع به مستغلات بود و اگر نظر آقا باشد خیلی از مستأجرین هم هستند که اسباب زحمت مالکین شده اند رفته اند در مستغلات نشسته اند و هیچوقت مال الاجاره حسابی که مطابق باشد باوضع گرانی امروز یعنی متناسب باشد با تنزل قیمت ریال یا قدرت خرید زیاد هیچ تناسب ندارد مال الاجاره را هم مرتباً بدون رضایت موجرین به ادارات ثبت اسناد میدهند و ضرر کلی هم از این حیث از نقطه نظر ساختمان بمالکین وارد می آورند البته از این قسمت اختیارات د کتر میلیسپو استفاده خواهد کرد که يك تعدیلی در مال الاجاره ها بعمل بیاید یعنی نسبت به مستغلاتی که اجاره هایشان بهیچوجه متناسب با قیمت های امروز نیست آنها را بالا ببرد و نسبت بآن مستغلاتی هم که مالکین آن هم بهیچوجه قانع نیستند مال الاجاره عادلانه وضع کنند البته در این قسمت هم سعی خواهد شد که پائین بیاورند یعنی يك تعدیل حسابی صحیحی بعمل بیاید

که هم موجو و مستأجر هر دو راضی باشند و در عین حال هم ضرری بساختمان و زیبایی شهر تهران و سایر شهرهای ایران وارد نشود.

رئیس - یکمده از آقایان اجازه خواسته اند در سایر مواد صحبت کنند تصور میکنم اگر اجازه بفرمائید مجلس را بعنوان تنفس تعطیل کنیم و برای ساعت چهار دو مرتبه تشکیل بدهیم (بعضی از نمایندگان - سه) آقایان بایستی دو نفر را برای هیئت نظارت بانك ملی انتخاب کنند در اول جلسه اردیبهشت ماه دیگر حالا مجال نشد انشاءالله عصر این کار را بکنید. آقای وزیر دادگستری لایحه دارید سر کار؟

[۳- تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر دادگستری]
وزیر دادگستری (آقای حکمت) - بنده عرض زیادی ندارم فقط لایحه ایست مربوط بدستور اجرای اسناد رسمی در ثبت که مورد شکایت عموم مردم است از برای تأخیری که در عملیات اجرایی میشود شکایاتی بوزارت دادگستری میشود تجدید نظری که در اینجا در قانون ثبت شده يك اصلاحاتی شده است که تقدیم مجلس شورای ملی میکنم (صحیح است)

رئیس - بکمسیون رجوع میشود. آقای وزیر بهداری هم لایحه داشتند؟

[۴- تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر بهداری]

وزیر بهداری (آقای اردلان) - آقایان نمایندگان محترم توجه داشتند که نسبت بمبارزه با بیماریهای واگیری در شهرستانها هم اقدام شود چون نظر نمایندگان محترم تأمین باید بشود لایحه برای آن منظور تقدیم مجلس میکنم و تقاضای يك فوریت کرده ام که بماند برای عصر (صحیح است) (در این موقع (بیمساعت بعد از ظهر) بعنوان تنفس تعطیل

و پنج ساعت ونیم بعد از ظهر مجدداً تشکیل گردید)
[۵- بقیه شور اول لایحه اختیارات ورأی بود در شور دوم]

رئیس - ماده اول لایحه اختیارات مطرح بود. آقای

بهبهانی .

تحریرك به انقلاب کنند یا برخلاف رویه عمل کنند البته خوب نیست بنده معتقدم در هر طبقه البته خوب و بد هست اگر باید يك تنقیدی کرد از يك طبقه باید خوب شان را گفت بدشان را هم گفت (صحیح است) والا اگر بطور کلی گفته شود آنوقت دیگر کسی در این مملکت باقی نمی ماند و فقط يك طبقه واحد در این مملکت باقی میماند بنا بر این بنده عقیده ام اینست که باید مقام هر کسی در عمل خودش محفوظ باشد هر کسی خوب کرد خوب بگویند هر کسی بد کرد بد بگویند این عقیده بنده است

رئیس - (خطاب به آقای بهبهانی) آقای تدین فرمودند منفعت پرستها اسم تجار را نبردند منفعت پرست هر کسی باشد بد است در این مورد هیچ محل شبهه نیست .

بهبهانی - اجازه بدهید بنده دیگر توضیح نمی دهم در این باب عرض بنده را خود آقای تدین مطلع شدند من هم عرض نکردم آقای تدین غرضشان این بود بنده گفتم در ضمن بیاناتشان که راجع بتعدیل تجارت اظهار مینمودند گفتند میخواهند جلو دزدهارا بگیرند این طبعاً بيك طبقه برمیخورد این طبیعی است (همه هم نمایندگان) بلی عرض بنده این بود یکی از عوامل مهم این گرانی عوامل دلالی و سفته بازی است غیر از تجارت است سفته بازی یا دلالی تجارت نیست آقا (صحیح است) و ما در قانون احتکار هم نوشتیم که دولت باید جاوی این کارها را بگیرد و قانونش هم حاضر است ملاحظه بفرمائید ولی تابحال دولت يك قدم پیش نرفته است برای این کار و این دلالی و سفته بازی موجب شده است که جنسی در يك روز از میزان کمتر بمیزان زیادتر برسد . سوم از چیزهایی که موجب گرانی شده آزادی خرید متفقین است این عمل و این آزادی در این مملکت موجب این شده است که هر جنسی را آنها بهر قیمتی که گفتند بواسطه پولها و اسکناسهایی که از خود ما میگیرند و بی حساب دارند میخرند درحالتی که احتیاجات آنها را باید کلیه دولت اداره کند دولت همیشه نشان میدهد که جنبه ضعف در اینگونه امور دارد آنوقت هم گله مند میشود که

آقایان گفت که در بازار ده ، پانزده تا همیشه دلال بود که آنها برای اینکه نان و زندقانی خانه شان را تهیه کنند اغلب شبها معطل بودند حالا زیاده از صد و پنجاه نفر دلال هست در بازار که آنها هر یکی روی همین کار میلیونها شده اند و به دولت هم آنچه گفته شد و آنچه درخواست شد چه در کابینه سابق و چه در این کابینه که آقا چرا جاوی این دلالها را نمیگیرید چرا جلوی این سفته بازی را نمیگیرید جوابی ندادند و بعضی اوقات برای اینکه بيك قدری بهتر صحبت کنند گفتند بلی يك موافقی دارد و ما کمیسو نهائی کرده ایم برای این کار و بالاخره منتظریم نتایج آن کمسیون اعلام شود . اینجا مجبورم بيك عرضی بکنم بنده با کمال ارادتی که با آقای وزیر خواربار دارم این جا بيك کلمه ایشان گفتند نسبت به عموم تجار در حالتی که مقصودشان عموم تجار نبوده است (وزیر خواربار - بنده گاه تجار نگفتم آقا) ولی چون این قانون جلو گیری از تجارت است آقا و جلو گیری از تجارت هم (آزادی - نظر آقا هم برای دلالت است که جلو گیری از سفته بازی بشود) اجازه بدهید صحبت کنم (بفرمائید) وقتی که در عنوان جلو گیری از تجارت گفته بشود که میخواهند جلو دزدها را بگیرند یا جلوی اشخاصی که خون مردم را میمکنند بگیرند البته این بيك طبقه از تجاری که محترم بوده اند و برای مملکت زحمت کشیده اند که اگر بيك تجارتي در مملکت بوده است و بيك اعتباری در تجارت بوده است مربوط بآنهاست بآنها طبعاً برمیخورد و من با آنکه میدانم آقای تدین شاید این نظر را نداشتند که نسبت بتجار این برخورد بکنند ولی چون گفته شده است اینجا بنده هم مجبورم عرض کنم که طبقات مردم در مملکت مختلفند بيك طبقه تجار و کسبه اند بيك طبقه طبقه افراد ادارات هستند بيك طبقه طبقه جرائدند ، روزنامه نویسها که این طبقه مشاغل آزاد دارند وقتی بنامد بگویند اجزاء ادارات اغلب دزدند و بيك کارهای برخلاف رویه میکنند و یا بگوئیم که تجار و کسبه تابع منافع خودشان هستند و نظری به مملکت ندارند این خوب نیست جریده نویسها را هم بطور کلی بگوئیم همیشه میخواهند

چرا دولت را ضعیف خطاب میکنند دولت خودش خودش را ضعیف نشان میدهد دولت يك قوانينی دارد يك قوانينی باو داده شده است که در اجرای آن قوانین همیشه خود داری کرده است یکی از چیزهایی که دولت باید اقدام کند و این مسئله را اداره کند که اینطور اسباب ترقی نرخها در بازار نشود همین مسئله است که ما بحتاج متفقین را بدانند و بدهد و خودش خریدار باشد در بازار البته متفقین هم نمیتوانند معین کنند که ما در مدت این جنگ یا در مدت امسال یا در مدت این ماه چه چیزهایی را لازم داریم برای اینکه لوازم آنها هم قابل شدت و ضعف است يك وقت می بینند يك چیزهای کمی لازم دارند و در هفته بعد يك چیزهای بیشتری لازم دارند در هر حال بنده میگویم که برای ما بحتاجشان بدولت مراجعه کنند و بدولت واگذار کنند و دولت نرخی را که لازم میدانند در بازار تعیین نکند نه اینکه آنها را بیاید و مختار بکند که يك چیزهایی را که میل دارند خودشان در بازار تهیه کنند مثلاً ملاحظه بفرمائید يك جفت اُرسی شاید قبل از اینکه آنها خریداری میکردند همانطور که آقای وزیر خواربار فرمودند چرم که از خارجه نمی آید وقتی که يك ارسی قیمتش بیست تومان شد البته کاسب هائی هم هستند که منفعت پرستند ملاحظه اهل مملکت و غیر مملکت را نمی کنند وقتی که غیر اهل مملکت و پولداری را دید این متاع خودش را به بیشتر از آن قیمت رایج میفروشد و میگوید پنجاه تومان او هم که مسوق نیست پنجاه تومان را میدهد و ارسی را میگیرد و میبرد و در نتیجه این عمل و ایجاد این قیمت فردا اهل داخله هم مجبور میشوند پنجاه تومان بدهند و در واقع ما که اهل مملکت هستیم در نتیجه این عمل مجبوریم به پنجاه تومان شصت تومان که آن خریدار خارجی خریده است بخریم و اهل مملکت را که از دولت بخرد دولت می داند قیمت این ارسی با فلان متاع چقدر است و چقدر برای او تمام شده و بهمان نرخ معین از بازار می خردهم حاجت او را رفع کرده است و هم نگذاشته است قیمتتها بضرر اهل داخله بالا برود حالا ما می خواهیم جلوی

این مفسد را بگیریم آیا این قانون جلوی این مفسد را میگیرد؛ بنده تصور نمیکنم بنده تصور میکنم که همان قوانینی که داشتیم اگر اجرا می شد تا بحال باین جا نمیرسید (صحیح است) و باین مرتبه از زیادی قیمت نمیرسید حالا اگر بنای عدم اجرا باشد همین قانون را هم که می نویسند می گذارند آنجا بماند و اجرا نشود و این فایده ندارد. از این گذشته بنده عرض میکنم برای امتحان هم که شده بود اگر تصدیق می کنید این عواملی که عرض کردم در بالا بردن قیمتها همین عواملی که من عرض کردم اقل امتحان کنید و یکی از این عوامل را جلو بگیرید به بینید آیا فرق می کند یا نه؟ قیمت ابره را آزاد بگذارید به بینید فرق میکند یا خیر؛ سفته بازی را جلو گیری کنید به بینید فرق میکند یا خیر؛ بالاخره امثال ذلك یا حوائج متفقین را تعهد بکنید . . . متفقین تقصیری ندارند در این باب آنها محتاجند اگر باید احتیاجشان رفع شود در این مملکت و باید احتیاج آنها را این مملکت بدهد اگر دولت تعهد بکند بدهد بهتر است که دیگر اینها خودشان بیازار نروند که بخرند و موجب ازدیاد قیمتها بشوند آقا (صحیح است) پس بنده تصور میکنم که دولت اگر همان قوانینی که سابقاً گذشته است همانها را اجرا کند و بالاخره جلوی این عوامل مهمه را بگیرد و اگر دولت تصور میکند با این قانون جلوی این عوامل را میگیرد یعنی فردا این سفته بازی تمام میشود یعنی فردا يك کمسیوني تشکیل میشود که قیمت اجناس را از روی قیمت حقیقی و واقعی ار معین کند یا اینکه حوائج متفقین را تعیین میکنند و میدهند یعنی دولت تعهد می کند و میدهد بسیار خوب من هم حاضر و ولی شما بدانید که نمیشود و گر نه این گوی و این میدان پس فردا باز خدمت شماها هستیم يك قسمت دیگر این است که مراد از این قانون این است که ما بحتاج مردم نمر کز پیدا کنند در دست دولت و دولت حوائج مردم را بموجب کوبن بدهد از آقایان سؤال میکنم هنوز کافی نشده است امتحان ما؟ این امتحانی که دولت داد؟ دیدیم که دولت موفق نشد که این کار را کند نه کوبن را بموقع

داد نه احتیاجات مردم را بمقدار لازم داد و نه اینکه توانست طرز تقسیم را درست اداره کند (صحیح است) فرمودند که بازارها خیلی شدت کردند و مثال زدند باینکه چرم هم از از خارجه نمی آید بنده عرض میکنم قند هم از خارجه نمی آید خودتان دولت موجب این شده است که قند را از سی تومان به پنجاه تومان برسانند برای اینکه يك كيلو را از يك تومان بدو تومان ترقی داد از ۱۲ قران به ۱۸ قران و ۱۹ قران ترقی داد. اینکه آقای وزیر خواربار گفتند که ما حساب دقیق کردیم و معلوم شد هر كيلو قند به نوزده هزار و خورده تمام میشود صحیح است ولی این را هم بنده عرض میکنم که دولت تاجر نیست این که همیشه میگویند دولت تاجر بدی هست و دولت نباید تجارت بکند برای همین است که دولت يك ریخت و پاشهائی دارد که اگر يك تاجر یا يك بنگاهی بخواهد آن عمل را بکند آن ریخت و پاشها را ندارد (صحیح است) بنده تصور میکنم که وقتی این جنس نمر کز پیدا کرد در دست دولت اولاً اجزائی که این متاع را می خواهند تقسیم کنند خارج از افراد این مملکت که نیستند همین هائی هستند که کوبن دادند همین هائی هستند که سرشماری کردند همین هائی هستند که حوائج این مردم را خواستند تأمین بکنند و اداره بکنند عرض کنم در هر خانه که شما تصورش را بکنید لااقل هر نفر در ماه سه متر چیت لازم دارد در سه ماه سه متر چیت را چه کار بکنند يك پیراهن نمیشود يك چارقد نمیشود بالاخره يك زیر پیراهنی نمیشود يك فلان نمیشود (صحیح است) بالاخره نه نرخش مناسب است که از روی چه نرخی است و نه تعیین مقدارش و نه ترتیب توزیع آن معلوم است که بچه ترتیب داده میشود و نتوانستند اداره کنند و اجزایش کافی نیست چون نکرده اند این کار را و نمی دانند و نمی توانند (صحیح است) تا بحال ما آن شهادت همه آقایان و خود وزراء عرض میکنم این مسئله تقسیم کوبن در این مملکت نقض غرض شده است برای اینکه يك مردمی حاجت داشته اند شاید بحوائجشان نرسیده است و بيك مردمی هم بیش از احتیاجشان رسیده و بالاخره بمسئله تقش کمتر

رسیده است (صحیح است) اگر هم رسیده کافی نبوده و يك استفاده هائی هم شده و خلاصه حوائج مردم رفع نشده بنا بر این بمقصد نمیرسیم و اگر بنا بشود که همه این کارها در دست دولت باشد دولت نمی تواند از عهده تقسیم برآمده و حوائج مردم را در موقعش انجام دهد. یکی از جهات دیگری که بنده تصور میکنم نمر کز اینکار در دست دولت صحیح نباشد این است که البته یکی از آقایان نمایندگان فرمودند که استخدام آقای رئیس کل مالیه (کل دارائی) غیر از استخدام سایر مستشارها است بنده هم تصدیق میکنم اطمینان کامل نسبت بایشان هست چنانچه در سابق هم بود ولی این راهم تصدیق می کنید که این استخدام استخدام این دفعه آقای دکتر میلیسپو غیر از آن استخدام دفعه سابقش است (صحیح است) برای اینکه در دفعه سابق او بکنفر از اتباع دولت خارج بیطرفی بود که در این مملکت هیچ نظری نداشتند و این جنک اتفاق نیفتاده بود و البته ایشان کاملاً متوجه این بودند که وظایف خودشان را در باب اهل این مملکت بخوبی انجام دهند ولی امروز دولت متبوع آقای میلیسپو دولتی است که وارد در جنک است، با متفقین است اگر بنا شد بنده این جنبه اش را ملاحظه میکنم. اگر بنا شد امروز احتیاجاتی را داخله ایران پیدا کنند يك احتیاجاتی هم متفقین پیدا کنند. آیا این قطعی است که ما بتوانیم قطع پیدا کنیم که احتیاجات داخلی ایران را آقای میلیسپو مقدم میدارند بر احتیاجات دول متفقین . . .

آزادی - اینطور نیست آقا. این آدم وظیفه شناس است منافع ایران را مقدم میدارد (زنگ رئیس). . . مستخدم رسمی دولت ایران است.

بهبهانی - گذشته از این عرض کردم. قوانین فعلی ما کافی است اگر بخواهد دولت جلوی این مفسد را بگیرد با همان قوانینی که داریم و موجود است همانها را اجرا کند کافی است منتهی اجرای آنرا بدهند بدست رئیس کل دارائی اما اینکه راجع بسؤال واستیضاح حزبی این جا گفته شد یکی از آقایان نمایندگان گفتند که اگر ما این اختیار را

دادیم فردا که برخلاف این رفتار شد ما چطور سؤال کنیم و چطور استیضاح کنیم آقای وزیر خواربار آمدند این جا و جواب دادند و قانون را خواندند باینکه در قانون استخدام دکتر میلیسپو این نکته پیش بینی شده است که در تحت نظارت وزیر دارائی است اولاً عرض میکنم که تحت نظارت را از قراری که بنده شنیده ام در همین کابینه بطرز دیگری تعبیر کرده اند و تفسیر کرده اند که موجب رفتن وزیر مالیه سابق شد و از آن گذشته این کافی نیست و بعلاوه این يك قانون مستقیم و يك قانون علیحده است و این يك اختیاری است که بشخص دکتر میلیسپو داده میشود مستقیماً و مسئول این قانون آن کسی است که اختیار باو داده میشود وزیر مالیه نمی تواند در اموریکه باو اختیار مستقیم داده شده یعنی بر رئیس کل مالیه داده شده مسئولیت داشته باشد بنا بر این بنده تصور میکنم که این فرمایش آقای وزیر خواربار کافی نبود برای اینکه یا مرجع استیضاح و مرجع سؤال را بدانیم بلی ممکن است از دولت سؤال بکنند یا استیضاح بکنند ولی در جواب سؤال زیان استیضاح چه میتواند بگویند و چه مسئولیتی در عمل غیر میتواند داشته باشد؟ میگوید اختیار مستقیم با اوست و مسئولیتی پیش من ندارد يك آدمی که مجلس شورای ملی باو اختیار داده ...

سلطانی - چرا آقا.

بهبهانی - شما میگویند چرا ولی در موقعش میگویند ندارد. عرض کنم عریض خودم را کوتاه میکنم و وارد میشوم در مسئله ماده اول. در این ماده اول آقای انوار يك بیاناتی کردند که بنده بیش از آن بیانی ندارم که عرض کنم و فقط عرض بنده در باب مال الاجاره است اینجا نوشته است مال الاجاره هم در تحت نظر ایشان است یعنی مال الاجاره مستغلات ولی با مشورت آقای وزیر داد گستری اولاً با تصدیق باینکه مسئله مال الاجاره مستغلات محتاج بيك قانونی است و این درس حرفی نیست و البته باید دولت این منظور را تأمین بکند (صحیح است) ولی در اینجا نفهمیدم در تحت نظر مستقیم آقای وزیر داد گستری مقصود چیست؟ اگر

مقصود این است که نظر شخص ایشان کافی باشد که بنده گمان نمیکنم اینطور بشود ...

افشار - اینطور نوشته است تبصره يك را ملاحظه بفرمائید.

بهبهانی - تبصره يك میگوید: ترتیب و تنظیم مال الاجاره مستغلات با مقرراتی که از طرف وزارت داد گستری و رئیس کل دارائی تنظیم خواهد شد بعمل خواهد آمد. يك مقرراتی با نظر ایشان معین میشود این مقررات اولاً و اساساً باید این اصل را فراموش نکرد که اصل مالکیت محرز و مسلم و محترم است در مملکت ایران و در مذهب اسلام (صحیح است) و در قوانین اسلام اصل مالکیت و تصرف و تسلط مالک در مملکت محترم است و این اصل مسلم و محترم است و اگر هم ما بخواهیم موقعی این اصل را تغییر بدهیم باید بر حسب يك سیاستی باشد و این سیاست را قانون ما بقانون اساسی واگذار کرده است و قانون اساسی هم بمجلس شورای ملی واگذار کرده است که اگر يك سیاستهایی اقتضاء کرد که يك اصلی از اصول را تغییر بدهند مثل اینکه فرض بفرمائید مالیات بگیرد. مالیات گرفتن مال مردم را گرفتن است بزور. این بزور است دیگر برایگان که نمیدانند و قتیکه قانونی شد و مجلس بر طبق قانونی اساسی تصویب کرد آنوقت میشود گرفت و باید هم گرفت چرا؟ برای اینکه مملکت محتاج است به خارج خرج دارد محتاج است بنگاهداری حدود و ثغور محتاج است بسایر جهات که ممکن نیست بدون پول آن حوائج بر گذار شود این است که برای اخذ مالیات بيك قانونی تهیه میکنند و میآوردند بمجلس شورای ملی که نمایندگان و مبعوثین مردم و ملتند که آن قانون را تصویب کنند تصویب که کردند آنوقت مردم میدهند (صحیح است) همینطور در این مورد. اینجا اصل مالکیت مسلم است و بنظر وزیر یا شخص دیگر نمیشود وارد این کار شد و مقرراتی وضع کرد (صحیح است) اگر يك قانونی برای مال الاجاره ها یا اجاره خانه ها و اجاره دکا کین و مستغلات بایستی معین شود چون بر خلاف اصل مالکیت است و حق تسلط را از مالک میکشد باید این حق

تسلط را مجلس بر حسب اقتضاء و بموجب سیاست بگیرد نه اینکه دو نفر (يك وزیر و رئیس کل مالیه) بنشینند و بيك مقرراتی بنویسند و اجرا کنند (صحیح است) واقعاً اگر میخواهند بيك ترتیبی برای اینکار بدهند راهش این است که آقای وزیر داد گستری قانونی بمجلس بیاورند تعاطی نظر بکنند و مجلس شورای ملی و قتیکه موافقت کرد و تصویب کرد بسیار خوب بنده هم حرفی ندارم اما اگر از تبصره يك (که آقای افشار فرمودند) مقصود این است که خودشان بنشینند و بيك مقرراتی بنویسند بنده تصور میکنم که صحیح نیست و مقتضی نیست و موضوع ندارد که شخص رئیس کل دارائی یا با موافقت وزیر داد گستری بيك مقرراتی برای اینکار وضع کنند و وزیر داد گستری هم بيك نظری بدهد و نظر قانونیش را بدهد که اینجا با فلان قانون موافقت دارد یا ندارد. ولی در اصل مطلب که اصل مالکیت باشد نمیشود آقا چنین اقدامی بکنند این موضوعها با هم فرق میکند آقا اینها جزو مسائل و اصول اساسی است قانون لازم دارد تصویب مجلس شورای ملی را میخواهد (صحیح است) اگر بنا باشد که در اصل مالکیت بيك خدشه پیدا کند باید مجلس بکنند این حق شخصی نیست این فعلاً عریض بنده بود تا در سایر مواد هم عریض خود را عرض خواهم کرد.

وزیر خواربار - بنده نمیخواستم مزاحم آقایان بشوم و نمیخواستم که جواب آقای بهبهانی یا سایر آقایان نمایندگان را بندهم ولی در اثربیانات آقای بهبهانی مجبور شدم چند دقیقه مزاحم اوقات نمایندگان محترم بشوم و چند موضوعی را ایشان اشاره کردند که از نظر اهمیت آنها و اطلاعاتی که بنده دارم لازم میدانم چند کلمه توضیح بدهم. فرمودند اصل مالکیت محترم است این صحیح است بيك قاعده مسلمی است در اسلام و بلکه بيك اصل حقوقی است ما بین تمام ملل و نحل عالم که مردم مسلط بر مال و جانشان هستند اما تا کی؟ تا وقتیکه این تسلط موجب زحمت و مزاحمت و سلب آزادی غیر نشود. آقا الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم صحیح است اما همان اسلامی که این را گفته است فرموده است اگر اشخاص

در مواقع ضرورت و حاجت اجناسی را احتکار بکنند اجناسی را که مورد احتیاج عمومی است احتکار بکنند باید مجبور شد کرد بفروش و بقیمت عادلانه باید بفروشد (صحیح است).

بهبهانی - با اجازه مرجع صلاحیت دار.

وزیر خواربار - اجازه بدهید. تسلط بر نفوس. هر کس تسلط بر جانس هست اما اگر قاتل عمد واقع شد چکارش میکنند؟ او را میکشندش هکذا سایر چیزهای دیگر که نمیکشند و اردش بشوم در حال مسئله مال الاجاره بيك مسئله عجیبی شده است که مورد ابتلاء همه است و وقتیکه مجلس شورای ملی رأی داد که ترتیب عادلانه بانظر وزارت داد گستری (نه وزیر داد گستری اینها با هم فرق دارد آقا وزارت داد گستری با وزیر داد گستری) و رئیس کل دارائی تنظیم شود البته وزارت داد گستری مرجع و محل اینکار است و با مراجعه با آقایان قضات و اشخاص مطلع از حقوق و قوانین و قضایای داخلی البته بيك طوری تنظیم خواهند کرد و بيك لایحه ترتیب خواهند داد که عادلانه باشد و بیش از این در این باب صحبتی ندارم بعد هم البته توضیح میدهند. مسئله دهگر که خیلی اهمیت دارد آن جمله بود که فرمودند که دکتر میلیسپو تبعه دولت امریکا است و دولت امریکا جزو متفقین است و وارد در جنگ است با دیگران پس بنا بر این دکتر میلیسپو ممکن است منافع دولت خود را در نظر بگیرد و اقداماتی بر ضرر ما بکند. این مسئله خیلی قابل توجه است که باید برای اینکه شبهه در اذهان باقی نماند چند جمله عرض کنم اولاً دولت امریکا متفق دولت انگلستان دولت شوروی است برای جنگ با دیگران ولی با ما دوست است (صحیح است) ولی با این آزاد بخوای و دمکراسی حقیقی و واقعی که در آمریکای شمالی (دول متحده) برقرار است هیچوقت این خیال را نباید کرد که دولت امریکا نسبت بما نظر سوء داشته باشد (صحیح است) و اما دکتر میلیسپو اینقدر مسلم است که دکتر میلیسپو بيك نفر آدمی است که علاقمند است اولاً ببقای حسن شهرت امریکائیان در ایران (صحیح است) و هرگز راضی نخواهد شد که

يك عمل سوئی از او سر بزند كه این حسن شهرت از بین برود. دیگر اینکه فرمودند قند از خارج كه نمی آید و قند از داخله است این جا هم لازم است كه يك توضیحی بدهم باقا كه این چند تا کارخانه كه ما داریم من نمیدانم كه در سابق آن مقداری كه می گفتند تهیه می كند سی هزار تن یا چهل هزار تن محصول آنها بوده است آیا واقعیت داشته یا نداشته است كمتر بوده است یا بیشتر بوده است ولی آنچه كه امسال اطلاع دارم وزارت پیشه و هنر اطلاع داد بما در موقعی كه تعیین نرخ می كردیم قیمت يك كيلو قند را جدا كثر عایدات کارخانههای داخلی ما چهارده هزار تن قند و شكر است در امسال و ما بیشتر از صد هزار تن احتیاج داریم بقند و شكر و بقیه از خارج باید بیاید منكر هم ندارد گفته گو هم ندارد و اگر ما بخواهیم فقط این چهارده هزار تن را در داخله مصرف كنیم و از جاهای دیگر نیاوریم و همین را تقسیم كنیم بتمام نفوس شاید بهر نفر چند گرم بیشتر نرسد و دولت در صدد است و مشغول مطالعه و مذاكره است و امیدوارم كه نتیجه هم بگیریم كه باقی احتیاجات خودمان را هم بلکه بتوانیم در داخله تهیه كنیم. اما حالا برگشتیم بأصل مطلب بنده خیلی متأسفم كه این سوء تفاهم ایجاد شده است برای اینکه بنده تازه كه ناطق نشده ام و صحبت كن نشده ام سالهای سال است كه صحبت میکنم و در صحبت كردن هم هر قدر اوضاع و احوال شدید باشد تصور میکنم دست و پای خودم را گم نكرده باشم بنده حرفی كه زدم در این جا ضبط شده است و الا آن هم مدتی نگذشته است بنده اسمی از تجار نبردم (صحیح است) بنده عرضی كه كردم همین بود كه گفتم جمعی منفعت پرست (صحیح است) بنا برین در هر طبقه بقول خود جنابعالی كه فرمودید هم خوب هست هم بد هست بنده نظری باشخص نداشتیم اسم تجار را نبردم بنده گفتم منفعت پرست و منفعت پرست هر كسی كه هست باید جلوش را گرفت اما راجع بتجار بنده سوابق طولانی با تجار تهرانی (با اكثرشان) دارم و اكثر آنها را میشناسم و با آنها اعتماد دارم اینها مردمان

خیزی هستند مردمان نيكخواهی هستند خير خواه هستند همیشه هم خدمت كرده اند در مواقع مختلفه اولاً بنده از آقایان تجاری كه در مجلس شورای ملی هستند از آنها متشكرم بنده هیچ سوء نظری هم با آنها ندارم كمال اعتماد را هم دارم برای اینکه اكثر آنها را می شناسم و دلیل اینکه آنها مخالف بالا یحه اختیارات دكتر میلیسپو هستند همین گزارش است كه آقایان در كمیسیون بآن رأی دادند (صحیح است) و اما تجار خارج مجلس هیئت نمایندگان تجار در اطاق بازرگانی آنها را هم اعتماد دارم و دلیلش هم این است كه ابلاغیه دادند و در جراید منتشر كردند و تكذیب كردند عمل يك عده را كه آن هنگامه را در بازار بر پا كردند پس بنا بر این بنده بهیچوجه من الوجوه نظری باین آقایان و امثال آنها نداشتیم عرض كردم من مخالف با منفعت پرستان هستم (صحیح است) دولت هم مخالف است (صحیح است) مجلس هم مخالف است (صحیح است) همه مردم هم مخالفند (صحیح است) و هیچ سوء تفاهمی هم نباید ایجاد بشود برای اشخاص كه استفاده بكنند از عرایض بنده كه بخواهند يك تحریكاتی بكنند. (صحیح است - احسن است).

بهبهانی - بنده يك توضیحی دارم. طبق نظامنامه باید توضیح بدهم اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

بهبهانی - آقای وزیر خواربار تصور كردند كه بنده مخالف با قانون تعدیل مال الاجاره هستم و بنده صراحة در عرایض خودم عرض كردم كه قانون تعدیل مال الاجاره لازم است ولی مرجعش مرجع قانونی باید باشد نه اینکه در این لایحه نوشته شده است. عرض كنم این توضیحی كه دادند آقا كه وزیر عدلیه بیست و وزارت عدلیه مرجع صلاحیتدار این كار است. اینطور بیست آقا یگانه مرجع صلاحیتدار این كار مجلس شورای ملی است (صحیح است) چنانچه قانون احتكار را مینویسد همینطور هم باید قانون تعدیل مال الاجاره را اگر لازم باشد بنویسد و تصویب كند و هیچ مرجعی غیر از مجلس شورای ملی نمیتواند مقرراتی بمنوان قانون بنویسد

بمردم تحمیل كند فقط مجلس میتواند این كار را بكنند و پس بنده با ایشان در اساسش موافق هستم فقط در باب مرجعش حرف داریم و این را خواستم توضیح بدهم كه بمعقیده بنده مرجع این كار مجلس شورای ملی است نه وزارت دادگستری و رئیس كل دارائی (صحیح است) اما راجع بدكتر میلیسپو بنده عرض نكردم كه ایشان با ما جنك دارند گفتم ایشان یعنی دولت ایشان در جنك واقع هستند و این اموری هم كه امروز این سختی هائی كه در مملكت ما وارد شده بواسطه این است كه اینها در جنگند و يك قدری پرش ما را گرفته است و اگر امروز اینها يك احتیاجی برای متفقین پیدا شود و يك احتیاجی برای ما من گمان نمیكنم مصالح آنها را بر احتیاجات ما ترجیح بدهد بنده نگفتم كه آنها مصالح ما را نمی خواهند یا مملكت ما را نمی خواهند و عرض نكردم كه خدای نخواسته آنها ضداهالی ایران هستند بلکه بنده عرض كردم میدانم كه دكتر میلیسپو سابقه خدمت دارد در ایران سابقه دوستی دارد در ایران و در سابق هم خدمات و دوستی های زیادی كرده است نسبت با ایران ولی امروزه این قسمت پیش من محرز نیست (یعنی عدمش محرز است) باینكه اگر احتیاج آنها اصطكاك پیدا كرد منافعشان اصطكاك پیدا كرد با احتیاجات ما من خیال نمیكنم منفعت ما را بر احتیاج آنها ترجیح بدهد و احتیاج ما را مقدم بدارد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

امیر تیمور - بند، عرض دارم. کافی نیست

اوحدی - کافی نیست بنده مخالفم.

رئیس - اجازه بدهید. بنده تصور نمیكنم دولت آمریکا با دوستی كه با ایران دارند و سفارت آمریکا با اینکه كمال مراقبت را در استحكام این دوستی دارند و امتحانی كه آقای دكتر میلیسپو در خدمات سابق خودش داده است و كمال درستی كه دارند هیچوقت صرفه دولت ایران را فدای بعضی

خیالات بكنند (صحیح است) حالا رأی میگیریم به كفایت مذاکرات.

طباطبائی - بنده مخالفم. اجازه بدهید علت مخالفتم را با كفایت مذاکرات عرض كنم بعد رأی بگیری.

رئیس - آقایان میگویند کافی است دیگر شما چه میگویند؟

طباطبائی - آخر باید دلائل عدم كفایت را عرض كنم آنوقت.

امیر تیمور - صحیح است.

رئیس - (خطاب با آقای طباطبائی) شما كه جزء موافقین هستید....

طباطبائی - باشد. با كفایت مذاکرات مخالفم. دلیل مخالفت من هم با كفایت مذاکرات راجع بوضعیت لایحه و افكار عامه و تأثیرات این چند روزه و صحبت های این چند روزه در خارج است كه باید بگویم (صحیح است) اتفاقاً از قضایای اتفاقیه من با این لایحه موافقم. با خود دولت موافق نیستم و اگر این لایحه نبود دولت را استیضاح میكردم (نخست وزیر - استیضاح كنید) كه دولتی كه می رود قانون تفسیر میكند استیضاح باید بشود ولی با این لایحه كه مطرح است موافقم و مذاکرات هم کافی نمیدانم باید مطالبی گفته شود و چون با این لایحه موافقم تأمل كردم كه این لایحه بگذرد. بهر حال وقتی كه اعتقاد داریم بيك قانونی بيك عقیده بگذارید آزادانه مخالفین هم صحبت های شان را بكنند موافقین هم دلائل و نظریاتی را كه دارند بگویند از این جهت بنده با كفایت مذاکرات مخالفم و معتقدم باید صحبت بشود و منطلق طرفین گفته شود. چرا از صحبت كردن مانع میشوید؟ (رأی رأی)

رئیس - موافقین با كفایت مذاکرات برخیزند (اكثراً برخاستند) معلوم میشود کافی است ماده دوم مطرح است.

آزادی - پیشنهادات باید خوانده شود.

رئیس - اگر اجازه بفرمائید چون پیشنهادات زیاد

است و شور اول هم هست همه پیشنهادات برود بکمیسون .
امیر تیمور - نمیشود آقا برخلاف نظامنامه است . باشد شور اول باشد باید پیشنهادات خوانده شود .
انوار - مطابق نظامنامه باید پیشنهادات خوانده شود اینطور نمیشود (صحیح است)
رئیس خوانده میشود :
 پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد از کلمه (و وارد) اضافه شود اجناس ضروری و بعد از کلمه (و صادر) اضافه شود اجناس غیر ضروری . انوار
 ماده اول را به ترتیب زیر پیشنهاد مینمایم :
 ماده اول - بر رئیس کل دارائی فعلی اختیار داده میشود امر تحصیل کالاهای غیر خوارباری و کلیه مواد خام و مصنوعات کارخانه های داخلی الی آخر ... شاهرودی
 پیشنهاد میکنم ماده اول بقرار زیر اصلاح شود :
 ماده ۱ - بر رئیس کل دارائی فعلی اختیار داده میشود امر تحصیل اجناس غیر خوارباری که بعد از این وارد کشور میشود و کلیه مواد خام و مصنوعات کارخانه های داخلی الی آخر .. خسرو شاهی
 این بنده پیشنهاد میکنم راجع بصادرات صادرات غیر ضروری و مازاد احتیاج کشور نوشته شود .
 راجع بواردات فقط واردات ضروری نوشته شود . دکتر تاج بخش
پیشنهاد مینمایم در ماده اول :
 لفظ مال الاجاره مستغلات حذف شود . بهبهانی
 پیشنهاد میکنم تبصره ۱ بشرح زیر اصلاح شود :
 تبصره - ترتیب و تعیین میزان مال الاجاره مستغلات طبق قانون مخصوصی که از طرف وزارت دادگستری و رئیس کل دارائی بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد بعمل خواهد آمد . سزاوار
 پیشنهاد میکنم تبصره سوم از ماده اول حذف شود . انوار
 اصلاح شود

بر رئیس کل دارائی فعلی تحت نظارت و مسئولیت دولت اختیار داده می شود امر تحصیل اجناس غیر خوارباری و کلیه مواد خام و مصنوعات و وارد و صادر کردن اجناس و حمل و نقل و انبار نمودن و توزیع آن و همچنین مال الاجاره مستغلات طبق قانون مصوبه و دستمزد کلیه کارها و خدمات را تحت اختیار و اداره خود قرار دهد .
 پیشنهاد میکنم در ماده اول در سطر سوم بعد از کلمه (و خدمات) اضافه شود دولتی و در سطر چهارم کلمه (اختیار) بعد از کلمه لفظ تحت حذف شود انوار
 پیشنهاد میکنم ماده ۱ و سه تبصره آن بشرح زیر اصلاح شود
 ماده ۱ - بر رئیس کل دارائی فعلی اختیار داده میشود که با رعایت ماده ۸ استخدام و اختیاراتش بمطابق پائین آوردن هزینه زندگی جلوگیری از قاچاق و احتکار و تثبیت نرخ و انبار نمودن اجناس خریداری و توزیع آنها و دستمزد کلیه کارها و خدمات را تحت اختیار و اداره خود قرار دهد . اوحدی
رئیس - ماده دوم مطرح است :
 ماده ۲ - رئیس کل دارائی مجاز است برای اجرای وظایف مذکور در ماده اول از کلیه اختیاراتی که بموجب قوانین مصوبه ۲۴ خرداد ۱۳۲۱ و ۳۰ مهر ۱۳۲۱ و قانون منع احتکار مصوبه ۲۷ اسفند ۱۳۲۰ و قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مورخه ۶ اسفند ۱۳۰۹ و قانون انحصار تجارت مصوبه ۱۹ تیر ۱۳۱۱ بدولت داده شده است استفاده نماید
رئیس - آقای اوحدی
اوحدی - بنده در کلیات اجازه خواسته بودم ولی نوبت به بنده نرسید در ماده اول خواستم نوبت به بنده نرسید و حالا فرمودند ماده دوم مطرح است
مخبر - در شور دوم بفرمائید

اوحدی - یعنی میفرمائید دیگر در این قسمت وارد نشوم (صحیح است) بسیار خوب در ماده دوم عرض میکنم در این ماده دوم يك قسمت اشاره شده است باختیاراتی که در قانون استخدام بایشان داده شده است يك قسمت هم اختیاراتی است که بدولت در قانون انحصار تجارت خارجی در ۱۳۰۹ داده شده و حال آنکه این قانون بموجب قانون ۱۳۱۱ نسخ شده است حالا تازه دوم مرتبه دارد زنده میشود و بموجب این قانون قانون نسخ شده را برش میگردانند و اختیارات را میدهند به آقای دکتر میلسپو اقلأ دولت در موقع تنظیم این لایحه مقتضی بود بقانون ۱۳۱۱ مراجعه میکرد که به بینند در آنجا قانون ۳۰۹ لغو شده است و از اعتبار افتاده است آنوقت این لایحه را تنظیم میکرد حالا چرا این کار را نکرده است ؟
دکتر طاهری - اصلاح کرده اند لغو نکرده اند :
طباطبائی - بقانون مراجعه کنید و ماده اش را بخوانید
اوحدی - قانون را بیاورید تا بخوانم (خنده نمایندگان) عرض میکنم بنده مخالف با اختیارات دکتر میلسپو نیستم ولی چه بکنم چه بکنم بقول مثل معروف آدم مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسد . من چه بکنم وقتی که يك نفر بر گل می رود سر يك اداره می نشیند و آن چیزیکه مستند او است که عبارت باشد از آئین نامه که بتصویب دولت سابق رسیده (خلق تان تنگ نشود آقا بشما نمیگویم آقای مخبر) که بموجب اختیاری که طبق ماده واحده بدولت در سابق داده شده بود آنها در امر ارزاق برداشتند و يك آئین نامه دولت سابق نوشت و داد بدست بر گل برای باربری که یکی از مواد این آئین نامه این است که اجرای این آئین نامه پس از آگهی اداره باربری مور محل است با این حال که يك چنین ماده مصرحی دارد میگوید که چون من خارجی هستم اعتنا باین قوانین ندارم

جمعی از نمایندگان - نمی‌تواند. نمی‌تواند. کی چنین چیزی بود
امیر تیمور - عملاً این کار را میکند اگر این حرف را نزنند.

اوحدی - بلی عمل کرده عمل کرده

امیر تیمور - صحیح است

اوحدی - آقایان قبول ندارند. گرفتار نیستند.

آزادی - بر گل که مستخدم رسمی نیست آقای

اوحدی - دولت چرا گذاشته است او را. مگر من و شما که اینجا نشسته‌ایم عهده دار رفاهیت جامعه نیستیم؟ چرا ما هر چه بدولت تذکر میدهیم اعتنا نمیکند؟ ما که باید با دولت همکاری کنیم این است نتیجه همکاری؟ این نتیجه همکاری ما است؟ چند مرتبه تا بحال تذکر داده شده است که این برخلاف قانون رفتار میکنند؟ چند مرتبه این حرفها اینجا زده شده؟ چرا توجه نمیکند چرا اعتناء نمیکند؟ آخر سزاوار نیست. من هیچ میل نداشتم هیچوقت در مقام مخالفت با دولت بر بیایم امروز از قضای اتفاقیه این جریان مرا وادار کرد که من امروز مخالف شدم برای چیست؟ برای این عملیات است که دارم مخالف میشوم. چقدر ماها بگوئیم شریدان چرا آزاد نمیکند جنس را در تهران؟ چرا نمیکند؟ چقدر گفتیم چقدر فوائد و منافع آزادی جنس را در تهران گفتیم (صحیح است - آفرین) چرا دولت مجبور نمیکند که تو که مستخدم دولت هستی صلاح ملت را اینطور میداند تو چرا عمل نمی‌کنی.

وزیر پرست و تلگراف و تلفن (آقای انتظام) - دولت که همچو تشخیصی نداده.

اوحدی - اگر دولت تشخیص نداده است ما با دلائل کافی باو ثابت کردیم آقا...

مخبر - آقا اظهارتان را در ماده دوم بفرمائید.

اوحدی - شما چه مربوط است آقا؟ شما مخبر هستید. شما که رئیس مجلس نیستید. چرا نمیگذارید آدم حرفش را بزند.

جمعی از نمایندگان - بفرمائید. آقا.

اوحدی - بنابراین بنده معتقدم که این ماده باید اصلاح بشود این مواد قوانین انحصاری باید از این اختیارات خارج شود. خالی از دو حال نیست. آقای دکتر میلیسپو رئیس کل دارائی، دولت ایران مملکت ایران اگر صلاح پیشرفت مقاصد خودشرا برای رفاهیت حال جامعه تشخیص داد بیک انحصاراتی نسبت به تمام اجناس یا نسبت به بعضی اجناس پیشنهاد میکند دولت آن لایحه را بمجلس می‌آورد و در مجلس تصویب میشود هر چه را که میخواهد انحصار میکند.

نپیل سمیعی - قانون لازم ندارد دیگر قانون اختیارات نمیخواهد.

اوحدی - چرا قانون لازم است بنده همیشه معتقد بوده‌ام و هستم آقا که دولت باید قوی باشد و همه چیز را در دست خودش بگیرد مردم را راحت بکند اما نه اینکه این اختیار را در دست بگیرد که مردم کوپن بدهد آنهم در مقابل هشتصد هزار نفر جمعیت تهران دو میلیون کوپن بدهد...

رئیس - آقای اوحدی در ماده دوم بفرمائید.

اوحدی - بلی آقا. چشم. بنده در ماده دوم پیشنهاد کرده‌ام و الآن تقدیم میکنم و خانمه میدهم بعرض خودم.

طباطبائی - مقصود آقای رئیس هم همین است.

اوحدی - مقصود شما هم همین است (خنده نمایندگان)
رئیس - اینکه نمیشود در این ماده دوم تذکر بدهند که آقای دکتر میلیسپو بعضی مواد قانونی را که از مجلس گذشته است باید رعایت کند آقا اینکه نباید محل صحبت باشد آقا.

مخبر - عرض کنم بیشتر مخالفت آقای اوحدی نسبت به ماده

دوم نبود همانطور که خودشان هم تذکر دادند در کلیات و در ماده اول بود که آنها از طرف مجلس بکفایت مذاکرات رأی داده شد و گذشت البته اگر در این قسمتها فرمایشی داشته باشند در شور دوم خواهند فرمود جواب هم داده خواهد شد و اینکه فرمودند در مقدمه فرمایشاتشان که قانون انحصار تجارت مصوب سال ۱۳۰۹ در سال ۱۳۱۱ لغو شده اینجا گویا بخود قانون توجه فرمودند لغو نشده بلکه آن قانون اصلاح شده و الا قانون ۱۳۰۹ بقوت خودش باقی است و اصلاحاتی در آن شده است و از این جهت هم خواسته شده است که آن هم اجرا شود و استفاده بشود از آن مقررات.
اوحدی - استدعا میکنم ماده اش را بخوانید.

مخبر - بلی. لغو نشده است. نوشته است مقرراتی که با این قانون مخالفت داشته باشد. حالا میخوانم.

ماده ۱۲ - این قانون بلافاصله پس از تصویب به موقع اجرا گذارده میشود و ادارات مربوطه دولتی مأمور اجرای آن میباشد و کلیه قوانین و مقرراتیکه تا بحال نسبت بانحصار تجارت خارجی وضع شده و مخالف این قانون باشد از درجه اعتبار ساقط است.

پس از آن قسمتهائی که مخالف نیست بقوت خودش باقی است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای اوحدی

پیشنهاد میکنم ماده ۲ بشرح زیر اصلاح شود.

ماده ۲ - رئیس کل دارائی مجاز است برای اجرای وظایف مذکور در ماده ۱ از قانون منع احتکار استفاده نماید و نیز مجاز است هر نوع کالائی انحصارش مفید باشد لایحه آنرا بوسیله دولت پیشنهاد نماید.

رئیس - ماده سوم خوانده میشود:

ماده سوم - در اجرای اختیارات فوق‌الذکر رئیس کل دارائی میتواند کوپن منتشر کند مغازه فروش دولتی دایر کند

یا هر اقدام دیگری که مفید و لازم باشد برای تثبیت بهای اجناس و توزیع عادلانه آن بعمل آورد.

رئیس - پیشنهاد آقای امیر تیمور:

اصلاح ماده سوم را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده سوم - در اجرای اختیارات فوق‌الذکر رئیس کل دارائی میتواند کوپن منتشر کند مغازه فروش دولتی دایر کند و اقدام دیگری هم اگر برای تثبیت بهای اجناس و توزیع عادلانه آن مفید و لازم باشد بعمل آورد.

رئیس - پیشنهاد آقای اوحدی.

پیشنهاد میکنم ماده ۳ بشرح زیر اصلاح شود.

ماده ۳ - در اجرای اختیارات نامبرده رئیس کل دارائی میتواند کوپن منتشر کرده و مغازه فروش دولتی دایر کند و این اقدام موقعی میسر است که باندازه کافی جنس مورد کوپن را باختیار داشته باشد

رئیس - ماده ۴ خوانده میشود:

ماده چهارم - برای اجرای این قانون اداره بنام اداره قیمتها در وزارت دارائی تأسیس خواهد شد.

رئیس - آقای انوار:

انوار - اینجا بنده پیشنهادی ندارم ولی خواستم تذکر بدهم که آقای رئیس کل دارائی در بعضی از ادارات وزارت دارائی میخواست بیک اقداماتی بکند و منحل بکند بعد هم در بیک اعلامیه اطلاع داد که اداره دیگری تأسیس خواهد شد و حقوق آنها داده خواهد شد نظر من این است که اینجا بیک اداره تشکیل میخواهد بدهد که اشخاص از خارج بیاورد؟ که اینقدر ما اداره و اعضاء و کارمند در وزارت مالیه داریم که همه درستکار هستند کار کرده هستند که دیگر لازم نیست بروند و از خارج بیاورند آنها را بیکار هیخواهند بکنند و یک عده را بروند از خارج بیاورند

نخست وزیر - بیرون نمیکنند هیچکس را

انوار - همانها را بیاورند نه اینکه مستخدم از خارج بیاورند (صحیح است)

نخست وزیر - - همین نظر تأمین خواهد شد.

بهبهانی - - بنده اجازه خواسته بودم مگر آنصورت در دست شما نیست؟ در ماده سوم بنده اجازه خواسته بودم اجازه داده نشد در ماده چهارم هم بنده اجازه نخواسته بودم ولی سایر آقایان اجازه خواسته بودند.

رئیس - نوبت آقای ملک مدنی است

ملک مدنی - يك مطلب اساسی است که باید اینجا گفته شود و يك وقت هم موقع گذراندن بودجه سه دوازدهم در کمیسیون بودجه این مطلب مذاکره شد که ما باید حتی المقدور سعی کنیم دیگر سازمان و تشکیلات دولتی را توسعه بدهیم ما بقدر کفایت مستخدم سابقه دار و تحصیل کرده و مطلع و پاک در کشور داریم و بنده مخصوصاً خواستم این مطلب را اینجا عرض کرده باشم (صحیح است) که آقای دکتر میلسپو هم توجه داشته باشند که مجلس نظر دارد که وقتی این قانون را گذراند نروند و يك عده اشخاص را بیاورند و نگاهدارند با يك حقوق های فوق العاده بعنوان اینکه مترجم هستند یا انگلیسی بلدند یا تحصیل کرده فلان مدرسه هستند (صحیح است) و با فلان و با ماهی پانصد تومان ششصد تومان استخدام شان کنند بالاخره آقا ما مستخدمین با سابقه داریم آنها را مصدر کار کنند منتظرین خدمت را سر کار بیاورند (صحیح است) بنده این مطلبی را که عرض میکنم در وزارت خواربار این قضیه واقع شده است به آقای وزیر خواربار هم در موقعی که لایحه داشتند در کمیسیون بودجه عرض کردم و تذکره دادم بودجه وزارت خواربار که آمد يك عده اشخاص زائد را بالاخره از خارج برداشته اند آورده اند با ماهی چهارصد تومان پانصد تومان بنام کنترانی و استخدام کرده اند و حال آنکه تمام بالاخره زائد است آقا و حال آنکه مستخدمین با سابقه و خوب ما تمام الآن بیکار هستند و منتظر خدمت هستند (صحیح است) بالاخره بنده استدعا میکنم که آقای نخست

وزیر باین نکته توجه کنند چون این يك مطلب اساسی است و امروزه کشور بالاخره بنیه بیشتر از این را ندارد و بالاخره این را باید توجه کنند که يك بودجه سنگینی بردوش همه تحمیل شده است (صحیح است) و بنده میخواهم عرض کنم که يك قسمت گرانی اجناس و سنگینی زندگانی و بالاخره معیشت مردم بواسطه همین بودجه سنگینی است که دولت دارد و تأدیه میکنند و مجبور است بواسطه احتیاجاتی که دارد انحصارها هم که در دستش است دائم مالیاتها را زیاد میکند که بالاخره غیر مستقیم بر مردم تحمیل میشود این بعقیده بنده پرنسیپ دولت نباید باشد و در این موقع که با حسن نیت بالاخره ما با این لایحه نظر موافق داریم باید آقای دکتر هم با سابقه که در این کشور دارند شاید بالاخره موفق بشوند که این سنگینی و این گرانی را از دوش مردم بردارند و قیمتها را تخفیف بدهند و از سازمان زیادی هم که نظایرش را دیده ایم بالاخره اجتناب کنند که بعد از اینکه این قانون گذشت بنام يك اداره مخارجی باز بر بودجه اضافه کنند و باز اشخاصی را بیاورند و داخل استخدام دولت کنند و بالاخره برای مملکت يك زحمت و مشکلاتی تهیه کنند. (صحیح است)

نخست وزیر (آقای سهیلی) تذکره آقای ملک مدنی کاملاً صحیح است دولت هم باین نظر کاملاً موافق هست و در مواردی هم که با آقای دکتر میلسپو مذاکره کردم که از لحاظ تقلیل ادارات که بعضی اشخاص ممکن است بیکار شوند در بعضی از ادارات که ایجاد میشود در آنها بکار بگمارند این مطلب کاملاً صحیح است و باینست تأمین خدمت اشخاص بیکار بشود و بنده کاملاً موافق هستم و بایشان تذکره میدهم که عملی بشود این منظور (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد آقای یمین اسفندیاری پیشنهاد میکنم ماده ۴ در قانون اختیارات رئیس کل دارائی حذف شود

رئیس - ماده پنجم

ماده پنجم - برای پرداخت هزینه های اداره قیمتها در سال ۱۳۲۲ اعتباری به مبلغ پنج میلیون ریال بوزارت دارائی داده میشود و برای سرمایه خرید کالا نیز بوزارت دارائی اجازه داده میشود در صورت لزوم تا یکصد میلیون ریال از بانگملی وام دریافت داشته و بطریق تنخواه گردان استفاده نماید

رئیس - آقای نقابت

نقابت - بقدری آقای رئیس مراقب هستند که باشخاص پر حرف کمتر اجازه بدهند ولی اتفاقاً بنده خیلی عرض مختصر و کوتاه است منتهی از ماده يك تا ماده ۵ و در کلیات و همینطور تا ماده آخر بنده استجازه کرده ام تا ببینم بلکه يك اکازیونی پیدا بشود...

یکی از نمایندگان - آقا موقع بفرمائید.

نقابت - که دو سه جمله را تذکر بدهم زیرا این قانون بالاخره یکی از اموری حیاتی این مملکت است و تماسی با تمام افراد و مصرف کنندگان و تولید کنندگان دارد و اگر مذاکرانی که در مقام تبیین این لایحه میشود بیان شود يك تفسیر پارلمانی و يك تفسیر قضائی خواهد شد برای مجری این قانون زیرا مجری این قانون در نظر خواهد گرفت که نظر نمایندگان در حین تصویب این قانون چه بوده است و بچه مطالبی توجه داشته اند بچه اموری نظر داشته اند ایشان هم مراعات می کنند با حسن نظری که دارند و بنده معتقدم که دکتر میلسپو باین مملکت خیلی علاقمند است این مملکت را دوست دارد برای حسن شهرت خودش هم که باشد علاقمند است که در این کشور خوب کار کند ولی بعضی از نکات هم هست که وظیفه ما است که عرض کنیم و بیان کنیم آقایان هم توجه کنند و بنظر ایشان هم برسد بنده هم موافقم با سه شرط شرط مهم هم نیست یعنی تعلیق بمحال نیست شرط اول این است که باینست اصولاً برنامه اقتصادی و رویه عملی دکتر میلسپو بصورت تئوری علمی طرح بشود تا ما به بینیم نقشه ایشان با قواعد مطابق است و با حوائج ما مطابق است یا نه...

طباطبائی - باید متخصصین به بینند

لیقوانی - متخصص باید به بیند نه شما

نقابت - مسئله تخصص آقا مسئله نظری است گفته

میشود که شما بیک معماری مراجعه میکنید معمار میگوید بمن فلان مقدار پول که در ماده ۵ نوشته شده است بدهید و اختیار هم بدهید که من فلان خانه را برای شما بسازیم شما حق دارید که از او بپرسید که چه جور خانه برای ما میسازی او هم میگوید خانه که دارای چنین وضع و چنین صورتی است البته نقشه بطور کلی است و شما هم می توانید در آن نقشه اظهار نظر بکنید اینکه گفته شد ایشان در کمیسیون توضیحات خودشان را داده اند این توضیحات نه باطلاع مجلس شورای ملی رسید و نه باطلاع عامه رسید تا مردم هم کمک کنند در اجرای این نقشه و بحسن نظر ایشان اکتفا کنند و مساعدت کنند با این نقشه و ایجاد سوء تفاهم نشود پس يك شرط بیان عقیده و طرح برنامه علمی ایشان است و این کار محالی نیست ممکن است ایشان در طی يك بیانیه در طی يك توضیحات کتبی انشاء الله برای شور دوم نقشه عملی خودشان را از لحاظ علمی بیان کنند و ما را در ابهام باقی نگذارند نکته دوم که در این ماده اشاره شده است اعتباری است که خواسته شده است برای تثبیت نرخ تثبیت نرخ یعنی تنظیم و تعیین ارزش مبادله ارزش در مبادله تعیین ارزش خواربار است زیرا خواربار مواد حیاتی برای بقا يك ملت است در اینجا قسمت خواربار بوزارت خواربار داده شده و کالاهای دیگر در اختیار آقای دکتر میلسپو گذاشته شده کالاهای ضروری و کلیه کالاهای مملکت تثبیت نمیشود و تعیین نرخ و ارزش برای آنها نمیشود مگر اینکه کیفیات مبادله آنها با مواد خوارباری در نظر گرفته شود وقتی که خواربار جای دیگر است و این کالاها در جای دیگر ارتباط قطع میشود ارتباط که مقطوع شد آن کسی که اداره کننده و اجرا کننده این قانون است موفقیت پیدا نمی کند مگر اینکه اینها بهم ارتباط داده شود گوا اینکه در يك تبصره احیاناً اجازه ارتباط داده شده اما این کافی نیست و میرساند که این

هم هست که معین کنند آنها چه مقدار حوائج دارند و چه مقدار هم ما استعداد داریم تا بطور مقتضی و روی يك اصول صحیحی و ایجاد يك محیط حسن تفاهم و دوستانه این کار حل بشود و بطور اطلاق آنها مراجعاتشان بدولت باشد و خرید آزاد را از بازار ترك کنند اگر اینکار شد هم دكتر میلیسپو موفق میشود هم دولت اگر این نشد آنوقت دو مشتری میآید بیبازار و بازار را بهم میزند از این طرف هر چه اقداماتی دكتر میلیسپو و دولت با حسن نیت و با کمال خلوص انجام بدهد يك دلالی که متکی با اجازه مقامات دیگر باشد میآید توی بازار و نرخ بازار را بهم میزند. پس با این سه شرط میشود با تمام اختیارات موافقت کرد زیرا بطور کلی در موقع جنک و در موقعی که حوائج زیاد است و جنس تولید شده کم است تقاضا زیاد است و عرضه کم است چاره جز انحصار نیست اما انحصار مطلق انحصار تام در تمام مملکت که نافذ بتمام سکنه باشد و ناظر بتمام مواد باشد اگر نفوذ نداشته باشد فایده نخواهد داشت مطلبی را که خواستم اینجا راجع باین اعتبار بولی و مبلغی که در نظر گرفته شده است عرض کنم این است که الآن در نظر گرفته شده است که يك مقداری از اعضای وزارتخانهها کسر کنند يك هیئت های بازرسی هم از ناحیه آقای دكتر میلیسپو معین شده است که در وزارتخانهها مشغول مطالعه این امر هستند بعضی جاها را هم منحل کرده اند مثلاً از کمیسیون ارز هفتاد نفر را بیرون کرده اند اما این افرادی که در این موقع بیچارگی بیرون میروند تکلیفشان چیست نمی شود گفت اینها بروند بیکار بمانند که زندگانی شان مختل بشود بعقیده بنده نباید از آنها کسر کرد بلکه باید حقوق شان بودجه پرسنلی این اشخاص را صرف تولید کرد و اینها را هم بکار گذاشت برای تولید جنس و تولید محصول استعداد های هم در این اشخاص مختلف است بعضی ها استعداد زراعت دارند بعضی ها استعداد صناعت دارند استعداد کارهای دیگر دارند ...

وقتی گرفت میگوید همه مطلع میشوند و این هم مربوط زماناتی است که اختیار باو داده شود و وقتی که داده شد می رود و روی آن عمل میکند و همانطور که آقای وزیر خواربار چند ساعت قبل توضیح دادند سرعت در کار سرعت در اتخاذ تصمیم و اجرای تصمیم فوق العاده در این امر مؤثر است پس آقا هم موافقت خواهند فرمود که طرح عملی موقعی بمعرض اطلاع عامه گذاشته شود که همان موقع هم اجرا بشود که کسی فرصت نکند از آن سوء استفاده بکند (صحیح است) اما موضوع دوم که فرمودند این موضوع چون در نظر بنده هم بود خودم با دكتر میلیسپو صحبت کردم که اگر این اختیارات شامل مواد خواربار نباشد آنقدرها مؤثر نیست و اثر نخواهد داشت برای اینکه زندگانی ما يك قسمت عمده اش مربوط بخواربار است ولی با دلائلی که او ذکر کرد اینطور در نظر گرفته اند که نه اختیارات او شامل خواربار باشد و نه در مواردی که وزارت خواربار صلاح میداند و پیشنهاد می کند او استکف کند از این که همکاری کند با آنها پس اولاً دولت مرکزی است که (هر دولت را بالاخره عرض میکنم) ریاست و نظارت دارد و مداخله میکند و در تحت نظر و قدرت دولت که خارج نیست همکاری ما بین این دو وزارتخانه که دارائی و خواربار باشد همیشه برقرار است و همیشه همکاری خواهند کرد با هم و موفقیت هم حاصل خواهند کرد. اما راجع بقسمت سوم که فوق العاده بجا بود و دولت هم در این فکر هست و داخل مذاکره با متفقین هم شده است و در نظر دارد که احتیاجات آنها هم معلوم بشود و دولت خودش احتیاجات آنها را رفع کند و مقید باشد که احتیاجات آنها را خودش رفع کند و امیدوار هم هستیم با حسن نیتی که متفقین ما برای کمک بمملکت و دولت ما دارند این منظور عملی شود راجع بمستخدمین هم که فرمودند همینطور که در هیئت دولت هم مکرر صحبت شده سازمان ما همیشه رو بتوسعه و ترقی است این را باید از نظر دور داشت که ما بتوانیم با يك وضعیت محدودی بتوانیم امور مملکت را اداره کنیم. همین حرفها از اول

مشروطیت تا بحال مکرر گفته شده است اگر يك اداره ایجاد شده است گفته اند که چرا تشکیلات را زیاد میکنید و توسعه میدهید و بعضی از اوقات هم درباره از مواقع آمدند و يك جاهائیکه درست شده بود حذف کردند و کم کردند بعد دو مرتبه دیدند احتیاج داریم بنده معتقدم در این باب (همینطور که با رئیس کل دارائی هم صحبت کردم) که ما همین اداراتی که امروز داریم (البته آن اداراتی که زائد است کنار بگذاریم) همین اداراتی که داریم با همین عده که الآن هست اگر آدم تازه وارد نکنیم کار مهمی کرده ایم یعنی بهترین راه صرفه جوئی همین است که با همین عده که امروز مشغول هستند تشکیلات جدیدمانرا هم اداره کنیم و مخصوصاً نگذاریم کسی بیکار بماند و اشخاصی که کار از شان ساخته است بیکار نمانند و فرضاً و اتفاقاً اگر اشخاصی بودند که مناسب نبود با آنها کاری رجوع شود وضعیت زندگانی آنها هم تأمین خواهد شد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای انوار:

پیشنهاد میکنم در ماده پنجم در آخر سطر اول عوض (اعتباری بمبلغ الی آخر) نوشته شود (از بودجه وزارتخانه که آن عضو دعوت شده داده میشود).

رئیس - ماده ششم:

ماده ششم - بر رئیس کل دارائی اختیار داده میشود که نه نفر از اتباع امریکا را بسمت معاون خود در وزارت دارائی وبخصوص برای اداره قیمت ها انتخاب نماید و شرایط استخدام آنها را بوسیله وزیر دارائی برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملك مدنی - در تعقیب آن عرایضی که کردم چون این ماده هم راجع باستخدام يك عده امریکائی است خواستم نظریه اولیه خود را تأیید کرده باشم چون آقای وزیر بهداشت يك فرمایشاتی فرمودند و بنده هم بایشان اعتقاد دارم چون سوابقی در مالیه و در امور کشور دارند خواستم عرض کنم

بنده هم چون در کمیسیون بودجه هستم و بی اطلاع نیستم از سازمان کشور میخواهم عرض کنم که الان اگر در وضعیت وزارتخانه ها و ادارات خوب دقت شود تشکیلات ما بحد کافی است و زائد هم هست برای اینکه بالاخره دروازه های مملکت بسته شده است یک جنگی هست که کار های مملکت را کوچک کرده است من باب مثال عرض میکنم یک اداره گمرکی که هست و آن کارهای زیاد گمرکی را اداره میکرد و انصافاً هم کارمندان گمرک یک عده مستخدمینی هستند که سوابق خیلی خوبی دارند و اشخاصی هستند که تحت تعلیمات صحیحی کار کرده اند و فعلاً یک قسمتشان بیکارند همانها را بردارید بیاورید و از شان استفاده کنید اینها سابقاً هم تحت تعلیمات اروپائیهما بوده اند و زبان خارجی هم میدانند از همین کارمندان استفاده کنید بنده بالاخره همانطور که عرض کردم یکی از طرفداران جدی این لایحه هستم ولی یک نکته ای هست که لازم است اینجا تذکر بدهم که آقای دکتر میلیسپو بایستی با این عناصری که ما در این بیست ساله اخیر تربیت کرده ایم و باروپا فرستاده ایم و غالب آنها از اشخاص تحصیل کرده هستند و لیسانسیه یا دکتر هستند از همین اشخاص استفاده کنند او باید در رأس این سازمانها قرار بگیرد و از این اشخاص که هم معلومات دارند هم سوابق ممتدی دارند استفاده کند و با آنها کار کند. امروز مملکت ما غیر از بیست سال پیش است و شاید از حیث افراد در بیست سال پیش ما خیلی در مضیفه بودیم و احتیاج داشتیم که برای سازمانهای خودمان دستمان را پیش خارجیها دراز کنیم اما امروز اینطور نیست و امروز اگر ما احتیاج داریم فقط برای کسی است که در رأس این کارها باشد آنها هم یک شخصی مثل دکتر میلیسپو که هم یک مستخدم عالمقامی است و هم سوابقی در مالیه این مملکت دارد که باید امور اقتصادی و مالی این مملکت را تحت نظر خودشان با همین اشخاص که داریم اداره کنند و خیر و صلاح را در نظر بگیرند و باید جداً اجتناب کنیم که دائماً این راه باز نشود که خارجیها را استخدام کنیم و بیاوریم اینجا. اینجا گفته

برای اجرای این کار لازم دارد و در نظر دارد باو بدهیم والا اگر ما بخواهیم بگوئیم آقا نه نفر امریکائی زیاد است البته اگر او واقعاً نظرش یک هوا و هوس بود و بایک مطالعه نبود این نه نفر را در نظر گرفته باشد ممکن بود یک عده دیگری را مینوشتند که بعد مطالعه کنند پس استخدام این عده با یک مطالعه پیشنهاد شده است و بنده بطور کلی می خواهم از آقایان استدعا کنم وقتی که اصل را قبول فرمودید وقتی که این اختیار بر رئیس کل دارائی از طرف مجلس شورای ملی اعطاء میشود در مسائلی که او تقاضا میکند موافقت فرمائید که انشاء الله او موفق شود و بنده خیال میکنم که اگر رئیس کل دارائی باین امر موفق شود و نرخها را تثبیت کند و ما را از این بدبختی نجات بدهد هر قدر ما با تقاضاهای او کمک کرده باشیم هیچوقت پشیمان و نادم نخواهیم شد و بلکه یک یادگار خوبی است که دوره سیزدهم مجلس شورای ملی برای همیشه در کشور باقی خواهد گذاشت از این جهت بنده استدعا میکنم از آقای ملک و سایر رفقای خودمان که در این قسمت و تقاضاهای او صد درصد دولت و مجلس موافقت کند و باضافه اینجا اوقفط چیزی که گفته است اجازه خواسته است که در این باب وارد مذاکره شود و نه نفر را در نظر بگیرد و بعد قانون استخدام آنها را به مجلس بیاورد و در موقعی که قوانین استخدام آنها به مجلس شورای ملی تقدیم میشود باز آقایان مجال خواهند داشت که در آن موقع شجبت شود.

رئیس - آقای امیر تیمور .

امیر تیمور - در کلیات لایحه و در تمام مواد آن بنده بعنوان مخالف ثبت اسم کرده بودم البته بعد از آنکه بکفایت مذاکرات رأی داده شد حق این بود که مقام ریاست بموجب صورتی که نزدشان بود مراجعه میکردند و بمن اجازه می دادند. موضوع دیگری را که بنده قبلاً میخواستم عرض کنم این است که در این گزارشی که داده شده بهیچوجه امضای مخبر را ندارد و این اولین دفعه ایست که بنده مواجه

با این موضوع شده ام (مخبر - در چاپخانه اشتباه شده) اگر اشتباه مطبعه ایست که نباید این خبر منتشر شود این را از نظر اصول عرض کردم. اما راجع باین ماده ۶ همانطور که نماینده محترم آقای ملک بیان فرمودند بنده هم معتقد هستم که ما بهیچوجه برای اجرای این قانون و اختیاراتی که بدکتر میلیسپو واگذار میکنیم نیازی به مستخدمین خارجی و امریکائی نداریم خاصه وقتی که توجه کنیم می بینیم بین مستخدمین دولت و جوانان فعلی کشور افراد بسیار شایسته و لایقی هستند که اگر از آنها پشتیبانی شود به بهترین وجهی خواهند توانست منظور دولت را انجام دهند و واقعاً به کشور خدمت کنند و متأسفانه و بدبختانه کسی نیست که از این عناصر پشتیبانی کند و بنده به آقایان قول میدهم که اگر کسی باشد که از این عناصر صالح و مستخدمین پشتیبانی کند از هر مستخدم خارجی بهتر خواهند توانست خدمت کنند نقص کار ما این است در این مملکت که برای خادم پاداش نیست و برای خائن مجازات نیست و این دو اصل چون رعایت نشده همیشه کارهای ما فاجع شده است این است که بنده استدعا میکنم بیائید برای اولین مرتبه محضاً الله این اجنبی خواهی را دور بیندازید و برای خدمات خودتان از بین مستخدمین صدیقی که دارید و ازین جوانان شایسته که دارید انتخاب کنید و از آنها پشتیبانی کنید و اگر خوب کار کردند از آنها تشویق کنید و ترقیشان بدهید و اگر خدای نخواسته بدکار کردند مجازاتشان کنید و بیرونشان کنید. پیشنهادی هم بنده در این ماده داده ام و در مواد دیگر هم چون بنده ثبت اسم بنام مخالف کرده ام تمنا میکنم مقام ریاست اجازه بدهند من عراض را بکنم.

رئیس - آقای امیر تیمور فراموش نفرمائید بعد از آن که مواد هم خوانده میشود مجدداً آقایان اجازه میخواهند و به ترتیب تقاضائی که آقایان میفرمایند اجازه داده میشود. آقای انوار مخالفید بله موافق؟

انوار - بنده مخالفم.

رئیس - آقای سزاوار موافقت یا مخالف؟

سزاوار - موافقم .

رئیس - بفرمائید .

سزاوار - بنده در کلیات لایحه اجازه خواستم و همینطور در مواد اجازه خواستم و نوبت به بنده نرسید و اجازه ندادند بنده بدو میخوام عرض کنم يك لایحه که برای موضوع اختیارات دکتر میلپو به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده و با يك حسن تفاهمی این لایحه در مجلس تلفی شده است بنده تصور میکنم که آقایان خوب است اجازه بفرمایند در اطراف این موضوع مهم بیشتر صحبت شود و بنظر بنده هر قدر در اطراف این موضوع بیشتر صحبت شود و مطلب بهتر روشن شود هم در خارج آثارش بهتر است و هم تأثیر آن در روحیه مردم بهتر باقی میماند بنا بر این این ترتیب که بعد از مدتی این لایحه آمده است در مجلس امروز صبح و عصر هم جلسه شده است آنوقت با این وضع مذاکرات که تا یکی دو نفر بیاناتی میفرمایند فوراً گفته شود مذاکرات کافی است بعقیده بنده برخلاف مصالحت است در صورتیکه ممکن است يك عده از آقایان نظریاتی داشته باشند و بعد از تشریح مطالب از طرف آن آقایان برای واضح شدن مطلب مفید باشد . بنده چون بعنوان موافق اجازه خواسته ام لازم است این است که مقدمتاً موافقت خود را عرض کنم و بعد عرضی که داشتم بعرض میرسانم . این جا مذاکره شد و مقایسه شد بین دکتر میلپو بابر گل این را واقعاً بنده خارج از انصاف میدانم که مقایسه شود (یک نفر از نمایندگان - چنین مذاکره نشد) مذاکره شد صورت مجلس هست بنده بی جهت عرض نمیکنم (امیر تیمور - بر گل را باید بیرونش کنند علاجی نیست جز بیرون کردن او) ما بعد از آنکه قائل شدیم که يك چنین اختیاری ضرور است اگر آقایان در نظر داشته باشند وقتی که لایحه استخدام دکتر میلپو در مجلس مطرح شد و در استخدام ایشان مذاکره شد تمام مجلس و میشود گفت اکثریت قریب باتفاق و با حسن تفاهم با استخدام ایشان موافق بودند و استخدام ایشان تصویب شد بنا بر این دکتر میلپو از هر جهت طرف اعتماد مجلس است و این اختیار هم

که از طرف مجلس بایشان تفویض میشود برای وضعیت خاصی است که ما امروز دچار آن شده ایم البته این هزینه روز افزون زندگانی که بنده تصور میکنم برای همه طاقت فرسا و کمر شکن است و بایستی به يك وسیله تعدیل و جبران شود اگر فکر قطعی برای این کار نشود زندگانی تمام طبقات دچار اشکال خواهد شد بنده امروز در يك محکمه بودم يك قاضی رتبه نه میگفت که قوری منزل من شکسته است رفته ام يك قوری حلبی سفید خریده ام این شخص از قضات عالی رتبه است اسم او را نمیدانم از این قبیل زیاد است به گرانی هزینه زندگی همه آقایان مبتلی هستند ما این جا صحبت طبقاتی نداریم صحبت طبقاتی دیگر گذشته است کیست که امروز بگوید زندگانی عادی دارد؟ امروز اینطور شده است و البته لازم است که علاج این کار بشود و فعلاً در نظر گرفته شده است که علاج این کار تفویض اختیارات است باین شخص . اما موضوعی را که بنده میخواستم عرض کنم این است که در این لایحه در نظر گرفته شده است که نه نفر از آمریکا برای این کار و معاونت آقای دکتر میلپو استخدام کنیم و در موقع استخدام دکتر میلپو هم شش نفر استخدام شدند این مطلب را مجلس نباید از نظر دور کند که يك قسمت سنگینی زندگانی ما برای همین بودجه سنگین دولت است و مخارج این استخدام های خارجی هم يك سرباری روی بارهای دیگر خواهد شد بنده البته نمیخواهم عرض کنم که وضعیت دکتر میلپو را محدود کنیم که او هم دست بسته باشد ولی میخواهم بنده از دولت خواهش کنم که با او مذاکره کنند که دوسه نفر معاون برای ایشان کافی است که بعضی از قسمتهائی که مورد نظر ایشان است بدست امریکائیها باشد و در بقیه قسمت ها همانطور که آقای امیر تیمور فرمودند ما از جوانان صالح و تحصیل کرده این مملکت بهتر میتوانیم استفاده کنیم و يك اشخاصی هم هستند که از سابق با دکتر میلپو کار کرده اند و کار آنها هم مورد رضایت ایشان است و آن اشخاص را هم خود دکتر میشناسند و میتوانند از وجودشان استفاده کنند و بنظر بنده استخدام نه نفر امریکائی

حقوقشان و خرج سفر آمدن و رفتنشان برای این مملکت خیلی سنگین است و از دولت خواهش میکنم که با ایشان صحبت کنند که این نه نفر را تبدیل کنند به سه نفر و پیشنهادی هم در این زمینه تقدیم کرده ام بر گل زاهم که گفتند بیرونش میکنند در آن قسمت دیگر عرضی ندارم .

رئیس - آقای دکتر تاج بخش

دکتر تاج بخش - بنده میخواهم عرض کنم که این کیفیت آوردن متخصص هم يك چیز غریبی شده است و دائماً در مجلس بیان میشود که باید متخصص از خارج بیاوریم بنده عرض میکنم در این بیست سال اشخاصی که رفته اند تحصیل کرده اند با کمال خوبی شاید خیلی هم بهتر از اینها چرا از این تحصیل کرده های خودمان نمی آورید در مقابل آنها کار کنند؟ از برای چه ما محتاج هستیم برای هر اداره پنج نفر ، شش نفر ، هفت نفر ، نه نفر از خارج بیاوریم این جوانان خودمان در تمام دنیا رفته اند تحصیل کرده اند چه در امریکا و چه در اروپا و چه انگلستان و چه در فرانسه تمام اینها خوب تحصیل کرده اند و متخصص هستند البته ما موافق هستیم با بودن آقای دکتر میلپو و عقیده بایشان داریم ولی این عقیده ملازم با این نیست که ما از برای هر اداره خودمان حتی مستخدم جزء هم از خارج بیاوریم با این ترتیبی که ما در نظر گرفته ایم و این مخارج سنگینی که روز بروز ما را تهدید میکند به مضیقه زندگانی دیگر نباید از خارجه استخدام کنیم با یک نفر هم بنده موافق نیستم اولش هم موافق نبودم و حالا که باینجا رسیده است با استخدام یک نفر هم مخالف هستم .

رئیس - آقای رضوی

رضوی - مذاکرات زیادی از ماده اول تا کنون شده است ولی قدر مسلم چیزی را که در بین همه مخالفت ها هم بنده تشخیص دادم این بود که وضعیت امروز مملکت احتیاج بیک اقدامات جدی غیر از عملیاتی که تا بحال شده است دارد و برای این منظور هم اینطور دولت و يك عده از آقایان نمایندگان تشخیص داده اند که این اختیار بدست

آقای دکتر میلپو باشد و واقعاً هم این آخرین تدبیری است که بنظر میرسد زیرا اگر بنا بر این باشد که در این وضعیت ما تصور بکنیم که يك راه علاجی برای این کار هست بنده که تصور نمیکنم باشد و واقعاً زیر این بار سنگین کمر همه خم شده است و دیگر تاب تحمل این قسمت ها را ندارد . اما راجع باین ماده ۶ خواستم خدمت آقایان عرض کنم که اگر بنا است که در اصل موضوع موافقت حاصل است و آقایان تجویز میکنند که آقای دکتر میلپو این کار را عهده دار باشد آنوقت دیگر معنی ندارد تبعیض بشود نسبت به جزئیاتی که ایشان در ضمن قبول خودشان تقاضا کرده اند یا این است که یک عده مخالف هستند از اصل ولی وقتی که در اصل عمل موافقت حاصل است دیگر نباید بگوئیم آقا شما با این طرزى که ما میگوئیم انجام بدهید در این ضمن ممکن است ایشان بما جواب بدهند بآن ترتیبی که من پیشنهاد کرده بودم موفق میشدم و باین کیفیت که شما خواستید توفیق حاصل نشد بنا بر این بنده تصور میکنم در ضمن يك چنین فکری با این هزینه سنگینی که در مملکت هست و فعلاً برای رفع این سختی ها و انجام این منظور در نظر هست این اختیارات داده شود دیگر مخالفتی با نظر پیشنهادی آقای دکتر میلپو نفرمایند و چون در اصل موافقت حاصل است از برای جزئیات مخالفتی دیگر بانظر دکتر نشود

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - عرض کنم مسئله استخدام نه نفر از اتباع امریکا برای معاونت دکتر میلپو برای این کار یک قدری قابل توجه است اگر در باین آوردن قیودها نه نفر میخواستند از امریکا بیاورند که در این قسمتها برای جامعه ایرانی مفید باشد من هیچ حرفی ندارم با نه نفر که سهل است با نود نفر هم بنده موافقم (امیر تیمور - آفرین) ولی اگر باین آوردن قیودها همانطور باشد که آقای رئیس کل دارائی در گزارش ماهیانه خودشان توجه فرموده بودند که از جمله نظریه آقای شریدان را نقل کرده بودند که باید نان گرانتر شود به نه

نفر که سهل است با یک نفر هم راضی نخواهم بود (امیر تیمور واقفاً صحیح است) آقای دکتر در ۱۳۰۳ که رئیس کل دارائی بودند در آن تاریخ بواسطه خشکسالی و قحطی و نبودن نان و نبودن گندم مقادیر زیادی جنس از کانادا و سایر ممالک به ایران وارد کردند و نان را نگذاشتند از دوقران و یکمباسی بالا برود و نان از دوقران یکمباسی بالا نرفت و دولت ضرر آنرا متحمل شد و ملت را در حال رفاه نگاهداشت و هیچ چیز ترقی نکرد و امروز صریح میگویم با افراد دولت که اگر این نان ارزان نشود اگر این گندم ارزان نشود نه د کتر نه نفر امریکائی نه نود نفر امریکائی نمیتوانند این مردم را به آسایش و رفاهیت سوق بدهند (صحیح است) تخم مرغ دانه سی شاهی بود و حالا دو قران شده است در اصفهان شامبرک به بنده میگفت تخم مرغ دانه شش عباسی خیلی گران است گفتم شما گران کرده این گفت محتکرین این کار را کرده اند گفتم خیر محتکرین نکرده اند کدام محتکر تخم مرغ را احتکار کرده است تخم مرغ که دیگر قابل احتکار نیست آقا اسفناج یکمن دو تومان پیاز یکمن دو تومان این چیزها را دیگر چه جور میشود احتکار کرد؟ اینها همه حرف است گفتم تا بوند نباید پائین تا نقره رواج پیدا نکند محال است که کسی بتواند قیمت ها را پائین بیاورد (صحیح است)

وزیر راه - بنده که اولاً ندانستم که قیمت تخم مرغ با استخدام نه نفر امریکائی چه تناسبی دارد (نبیل سمعی - برای اینکه اینها تخم د کتر میلسپو هستند) تمام فرمایشات آقای اوحدی وقتی که مطاع و متبع باشد و مورد قبول باشد دلیل بر اینست که این لایحه باید هر چه زودتر تصویب شود در تمام ممالک دنیا امروز وقتی ملاحظه بفرمائید یک دولت نیست که در آن جا خرید و فروش بدون تعیین نرخ و مراقبت از اینکه از آن نرخ تخلف نکنند آزاد باشد. در ۲۲ مه ۱۹۴۰ قانون اختیارات دولت انگلستان برای این منظور در ظرف سه ساعت از دو مجلس و از صبح پادشاه هم گذشت و قانونیت پیدا کرد. اگر واقفاً میخواهید و این درد را

حس میکنید که آزاد گذاشتن نرخ ها روز بروز یک بدبختی برای این مملکت ایجاد خواهد کرد موافقت بفرمائید که این آخرین علاج هم بر فرض کبی باشد آن را هم در دست راست تحمل کنید به بینیم این معالجه میشود یا نمیشود والا اگر بنا باشد که ما روزها در این باب صحبت کنیم که آیا د کتر میلسپو نه نفر باید بیاورد یا ده نفر یا نود نفر بجائی نخواهیم رسید. مثلاً آقای نقابت میفرمایند موافق هستند به چند شرط اولش این است که تمام تئوری اقتصادی که در نظر دارند برای این کار قبلاً بیابند بگویند فقط اینجا گفته اند برای اجرای این ترتیب من نه نفر امریکائی لازم دارم آنوقت ملاحظه بفرمائید که چه شرایطی آقایان میفرمایند که بنده نمیخواهم خیلی درس وارد بشوم و حالا زیاد وقت آقایان را بگیرم مثلاً آن قسمتی را که آقایان میفرمایند که قیمت لیره پائین بیاید و نقره رواج پیدا کند بیاید یا نیاید این موضوع از غوامض امور اقتصادی است که باین زودبها و عبت عبت حل شدنی نیست اجازه بفرمائید فعلاً این کار را شروع کنند و به یک نتیجه برسیم البته در موقع خود در آن قسمت هاهم وارد خواهند شد.

رئیس - پیشنهاداتی در این ماده رسیده است اگر اجازه میفرمائید عیناً به کمیسیون فرستاده میشود (صحیح است) ماده هفتم قرائت میشود:

ماده هفتم - شورائی که مرکب از هفت نفر که دو نفر از نمایندگان با انتخاب مجلس شورای ملی و دو نفر از هیئت وزیران و سه نفر دیگر با انتخاب رئیس دولت برای مشورت در اجرای این قانون انتخاب خواهند شد رئیس کل دارائی میتواند اگر اشخاص دیگری را هم لازم بداند برای حضور در این شوری دعوت نماید

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - اینجا نوشته شده شورائی تشکیل میشود ولی دیگر به چه مقید نیست که مطالب در این شورابا بدهورد بحث قرار بگیرد پس از اینکه وارد بحث واقع شد آنوقت چه نتیجه گرفته میشود و اگر مورد قبول این شوراب واقع شد اجرا میشود یا

نمیشود و بنظر بنده ماده با این شکلی که تدوین شد نتیجه ندارد یک تعارفی است که شده است بنا بر این بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام و امیدوارم در کمیسیون مورد توجه آقایان قرار بگیرد و این ماده را تقاضا کرده ام اصلاح کنند

رئیس - این ماده که بد نیست نوشته اند شورائی تشکیل میشود که باید شور کنند در اجرای این قانون و اشکالاتی ندارد و خیلی هم خوب است. آقای انوار

انوار - مخالفم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - مخالفم

رئیس - آقای یمین اسفندیاری

یمین اسفندیاری - مخالفم

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - عرض کنم باید فرق گذاشت بین زندگانی مردم و تشکیل اداره تبلیغات اگر بگویند اداره تبلیغات نمیخواهیم اشکالی ندارد ولی این لایحه مربوط به زندگانی عمومی است و بنده با همان لایحه تنظیمی دولت موافقم و این دخل و تصرفات در کمیسیون شده است و اگر هم این ماده را بخواهند تصویب بفرمایند باید آن سطر اولش که انتخاب دو نفر از مجلس است بردارند و نمایندگان مجلس چه نظری دارند که در یک کار فنی و تخصصی بدهند (یمین اسفندیاری -

شما کیبه مخالفید نه موافق) بنده با تمام لایحه موافقم و در مواد نظریات اصلاحی دارم که باید عرض کنم با لایحه دولت بیشتر موافق بودم و این قسمت هم در لایحه دولت نبود وقتی به کمیسیون رفت این قسمت را بهش اضافه کردند حالا هم همانطور که عرض کردم اگر رأی آقایان این باشد که این ماده باشد و این ماده را به پسندند جنبه انتقادی این ماده همان سطر اول است که دو نفر از نمایندگان مجلس در آن شورا باشند اگر لازم میدانند که دو نفر از دولت باشد یا سه نفر به انتخاب آقای نخست وزیر یا این که از سایر جاها برای شور در اجرا دعوت کنند عیبی ندارد ولی از مجلس نبایستی کسی در این کار دخالت کند برای این که نماینده

مجلس کارش قانون گذاری است و شائش این نیست که برود در اجرائیات دخالت کند (صحیح است) اما این قسمت که برداشته شد اشکالی ندارد همان مطلبی است که آقای اعتبار فرمودند که وقتی اصل مطلب قبول شد و اصل منظور مورد تصدیق واقع شد اگر عملی شود بقدری بزرگ است و مورد توجه است که نمیشود وارد این جزئیات شد الا آن ساعت هشت است حکومت نظامی درست کرده اند و گفته اند ساعت نه باید بروید به خانه هایتان و الا آن ساعت هشت آقایان اینجا تشریف دارند بنده تقاضا میکنم آقایان وارد جزئیات دیگر نشوند و این ماده را بنده اساساً عقیده دارم که حذف شود یا اینکه سطر اولش را حذف کنند و با سایر مواد هم بنده موافقم **رئیس** - این ماده هفت و هشت در لایحه دولت نبود و در کمیسیون اضافه شده است.

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات. نظریاتی اگر هست پیشنهاد داده شود.

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود:

ماده هشتم - آئین نامه و مقرراتی که برای اجرای این قانون لازم شمرده شود رئیس کل دارائی تنظیم و بموقع اجرا خواهد گذاشت.

رئیس - آقای هاشمی.

هاشمی - بعقیده بنده در موقع اجرای ماده هفت و ماده هشت اشکالاتی تولید خواهد شد که اگر مطابق پیشنهاد آقایان یا ماده هفت حذف شود و یا بنحو دیگری اصلاح شود رفع اشکال خواهد شد و الا طبعاً کار را دچار اشکال و دچار بطوئ خواهد کرد.

وزیر کشاورزی - اولاً آقایان باید بدانند که ماده ۷ مشورت است نه اجرا آقایان اینکه در کمیسیون تشریف داشتند این نظر را دارند و د کتر میلسپو هم موافقت کرد که در کارهایی که میخواهند انجام دهند اقداماتی بکنند قبلاً با آقایان یک مشورتی بکنند ولی اعضاء این شورا در اجرا دخالتی نخواهند داشت و فعلاً اگر ماده هفت را آقایان موافق نباشند آنوقت بنده تصدیق میکنم که در ماده ۸ هم

باید يك تقيري داده شود ولی این را آقایان همانطور که عرض کردم باید بدانند که شورائی که تشکیل میشود فقط مشورت است و بس .

رئیس - آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری - بنده با این لایحه موافقم و در ستون موافقین هم اسم نوشته‌ام اما این که در این ماده ذکر شده که هر مقرراتی آقای دکتر میلسپو میخواهد برای اجرای این قانون وضع کند و بموقع اجرا بگذارد وقتی که مجلس به این ماده رأی داد این خودش حکم قانون را دارد و با مسئولیتی که دولت در مقابل مجلس شورای ملی دارد بطور کلی دخالت ندادن مجلس در اجرای این مقررات و تصویبش بنظر بنده مقتضی نیست از این جهت يك پیشنهادی شده است که يك کلمه اضافه شود که مقرراتی که وضع میشود برای این قانون و نظامنامه که نوشته میشود به هیئت دولت بپردازند و در هیئت دولت تصویب شود و بموقع اجرا گذاشته شود و الا قدرت بکلی عاری میشود از این کار و چطور میشود دولت دخالت نداشته باشد در هیچ قسمتی و مسئول هم باشد این يك موضوع لازمی است و البته پیشنهاد میشود و می‌آید در کمیسیون مذاکره میشود .

رئیس - آقای امیر تیمور .

امیر تیمور - این ماده باین شکلی که تدوین شده است همان حق قانون گذاری است که در لایحه دولت قبلاً تقاضا شده بود و حالاً باینصورت در آمده و بنده بهیچوجه با این ماده نمیتوانم موافقت کنم و معتقدم اگر رئیس کل دارائی مقرراتی را لازم بداند که برای این کار تدوین شود بایستی دولت آن مقررات را تنظیم کند و به مجلس بیاورد که پس از تصویب کمیسیون دادگستری مجلس بموقع اجرا گذاشته شود والا خود بخود و مطلقاً به دکتر میلسپو يك چنین حقی را دادن این همان حق قانون گذاری است و مجلس شورای ملی نمیتواند این حق را به دکتر میلسپو واگذار کند و این برخلاف حق قانون گذاری است و من متعجب هستم که چطور شده کمیسیون يك ماده باین شکل تدوین کرده و به مجلس

شورای ملی تقدیم داشته است این باید حتماً حذف شود .
مخبر - عرض کنم بطوری که لایحه تقدیمی دولت را ملاحظه فرمودید در آنجا دكتر میلسپو يك اختیاراتی مافوق این ماده تنظیمی کمیسیون خواسته بود (امیر تیمور - خوب بار نخواهند داد) و بالاخره در کمیسیون هم که مطرح شد صلاح دیده نشد که ایشان مقرراتی وضع کنند که جنبه قانونی داشته باشد زیرا مجلس هیچوقت نمیتواند قوه قانون گذاری خودش را بدیگری محول کند و باین جهت در کمیسیون آن نظر رد شد و باین ترتیب درآمد و در اینجا ملاحظه میفرمائید در ماده ۸ مینویسد که آئین نامه و مقرراتی تنظیم میکنند و البته میدانید که این آئین نامه هم مثل سایر آئین نامه ها نمیتواند از حدود قانون تجاوز کند و نه هیئت وزیران و نه اشخاصی که مجری قانونند میتوانند در آئین نامه اجرای قانون چیزهایی مافوق این قانون بنویسند و هیئت دولت یاد دکتر میلسپو اگر آئین نامه هم بنویسند باید بر طبق این قانون باشد و مطابق رالی که خواهید داد باید آئین نامه طبق قانون باشد پس از این حیث نگرانی در پیش نیست ولی باوجود این اگر لازم میدانند آقایان که آئین نامه و مقررات اجرای این قانون به تصویب هیئت وزیران برسد بنده هم موافقم پیشنهاد آقایان می آید به کمیسیون و مذاکره میشود .

امیر تیمور - باید با تصویب کمیسیون دادگستری مجلس باشد لاغیر .

رئیس - آقای یمین اسفندیاری .

یمین اسفندیاری - بنده با تأسف خاطری که امروز برایم پیش آمده است با قضیه فوت مرحوم سرهنگ گفرخ در شیراز نمیخواستم که داخل مذاکره شوم و بعد هم از لحاظ اینکه پیشنهادات به کمیسیون میرود و در کمیسیون باید مذاکراتی بشود خود داری میکنم از ذکر توضیحات در اطراف پیشنهادات ولسی موضوعی که خیلی حساس است و بنده لازم میدانم که اینجا مختصر توضیحی عرض بکنم همین قضیه عدم موافقت با آن قسمت شورائی است که در نظر گرفته

شد (طباطبائی - آن قسمت مربوط بماده ۷ بود و حالا مطرح نیست) خیر ماده ۷ و ۸ مطرح است . عرض کنم در این لایحه اختیارات بنده موافق بودم و در ورقه مخالف و موافق هم اسم خودم را در ستون موافقین ثبت کردم و با اصل اختیارات هم کاملاً موافقم جز اینکه خواستم يك قسمتی را عرض کنم در یکی از جلسات هیئت دولت که کمیسیون داشتیم خود دكتر هم حضور داشتند بنده دو موضوع را پیشنهاد کردم و مذاکره کردم قرار بر این شد که يك قسمت از آنرا منظور بدانند و در کمیسیون اگر در نظر گرفته اند که شورائی تشکیل بشود بنده نمیدانم که این شورا برای چیست برای اینکه شورائی که تشکیل میشود متأسفانه با این طرزى که ما داریم در هر موقعی که مذاکره شده است نسبت به مأمورین و یا افراد مردم جز از دزدی و جز از غارت و جز از احتکار چیز دیگری ما نسبت باین مردم نمی شنویم متأسفانه اگر وزیرى می آید پشت تریبون در صورتیکه با تمام قدرتی که دارد باید بگوید کیست دزد کیست خائن و دست آن يك شخص را به تنهایی بدهد به دست مجازات ولسی بطور کلی گفته میشود چنانچه خود بنده هم اینجا از آقای وزیر خواربار خواستم تا يك ماه تعیین بکنند که این اقداماتی که میگویند قبل از ایشان شده است موضوع چیست و اشخاصش را هم معین بفرمایند متأسفانه الآن متجاوز از يك ماه است که ایشان وزیر خواربار هستند و هنوز ایشان با آن شجاعتی که دارند تعیین نفرموده اند آن فردی که واقعاً پول مردم را میخواهد ببرد آن آدم کیست و الآن هم انتظار دارم با آن صراحت لهجه که دارند آن اشخاص را معرفی کنند تا مردم هم بدانند و الا نمیشود بطور کلی همه مردم را مقصر دانست . بنده با این شورا روی همین اصل مخالفم زیرا از يك طرف ما اختیار به دکتر میلسپو میدهیم و او را هم يك شخص پاکى میدانیم و سوابقی هم که او داشته است همه میدانیم و از يك طرف تشکیل شورائی برای اجرا در نظر میگیریم البته این مذاکراتی که اینجا میشود از دكتر میلسپو کسی نگرانی ندارد و اگر مذاکراتی در اینجا میشود و نگرانی بعضی از آقایان نمایندگان

ماده نهم :

نه از شخص دكتر میلسپو است و نه از ملت امریکا است اگر نگرانی ابراز میشود از این جنگ است که همه را نگران کرده است و بالاخره معلوم نیست که عاقبتش بکجا خواهد رسید بهر صورت بنده نسبت باین قسمت راجع به شورا چنانچه اینجا پیشنهاد کرده ام موافق نیستم و حذف آنرا پیشنهاد میکنم و راجع به ماده ۸ هم مقرراتی که در اینجا نوشته شده است بطوریکه آقایان توضیح دادند از حقوق مسلم مجلس است و با عقیده که خود آقای وزیر خواربار نسبت به حقوق مجلس دارند و مدتی هم کرسی ریاست مجلس را اشغال کرده اند بهتر تشخیص میدهند که این حق قانونی مجلس شورای ملی است لاغیر .

رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - عرایض بنده مختصر است فقط خواستم عرض کنم این قسمت که در ماده نوشته شده است : آئین نامه و مقرراتی کلمه مقررات اساساً در ماده زائد است و همان کلمه آئین نامه کافی است و این ماده مربوط به تنظیم آئین نامه در تمام قوانین هست و همه آقایان هم میدانند و سابقه دارند و بنظر من این را کمیسیون اشتباه کرده است و دیگر مقررات لازم ندارد و حذف کلمه مقررات را بنده پیشنهاد کرده ام .

رئیس - آقای روحی .

روحی - در يك قانونی ممکن نیست باشد که اختیار تنظیم آئین نامه برایش گذاشته نشده باشد این در تمام قوانین معمول بوده است و این چیزی نیست که ما الآن اختیار به دكتر میلسپو بدهیم و بعلاوه الآن شور اول این قانون است اگر آقایان نظری داشته باشند که این آئین نامه ها با نظر هیئت وزیران تصویب شود ممکن است پیشنهاد بفرمایند در هر صورت آئین نامه برای اجرای قانون لازم است و اشکالی ندارد که آقایان پیشنهاد بفرمایند که آئین نامه با نظر هیئت وزیران نوشته شود و بتصویب هیئت وزیران برسد و اجرا شود .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهادات واصله به کمیسیون ارجاع میشود .

ماده نهم - این قانون تا نسخ آن از طرف مجلس شورای ملی بقوت خود باقی خواهد بود .
رئیس - آقای بهبهانی .

بهبهانی - بنظر بنده این قانون اصلاً قانون آزمایش است و ما نمیتوانیم صد درصد مطمئن باشیم باینکه اجرای این قانون آن رفاهیتی که در نظر است ایجاد میکند و از آن طرف هم امتداد مدت آن يك اندازه خارج از متعارف و ظاهر است . ظاهراً از مدت این دوره بیش از پنج شش ماه باقی نیست و این قانون هم که برای آزمایش است و اگر آزمایش هم بشود بهتر است بنده معتقدم که مدت این قانون را همان مدتی که از این دوره مجلس باقی مانده است قرار دهند اگر يك نواقصی در عمل دیده شد درست بشود و اگر دیدیم که محتاج الیه است امتداد پیدا کند و اگر محل احتیاج نیست اصلش لغو شود بنا بر این بنده تصور میکنم چون مسئله آزمایش است و بعد مجلس هم آنقدر باقی نیست و بعد از آن معلوم نیست چه خواهد شد بنده تقاضا میکنم که مدت این قانون شش ماه قرار داده شود و اگر هم باز لازم بود تمدید میکنیم و این طور که نوشته است بعکس این باشد در این ماده نوشته است این قانون مادام که از طرف مجلس لغو نشده است بقوت خودش باقی است در صورتی که معلوم نیست که کی از طرف مجلس لغو میشود و اگر بنا باشد این قانون دائم نباشد و لغوش لازم باشد و مجلس هم نباشد تکلیف چیست؟ بنابراین بنده بعکس این ماده پیشنهاد کردم که این قانون تا شش ماه دیگر بقوت خود باقی است و اگر محتاج الیه نبود شدند با دامنه مدت تمدید میکنند و اگر محتاج الیه نبود لغو میکنیم .

مخبر - عرض کنم خودد کمر میسپو و دولت در لایحه پیشنهادی مدت را تا شش ماه بعد از خاتمه جنگ تعیین کرده بودند و وقتی آمد در کمیسیون مفصلاً تحت مطالعه قرار گرفت و چون معلوم نبود جنگ کی تمام میشود و این مدت کی منقضی خواهد شد لهذا کمیسیون با آن نظر نتوانست موافقت کند ولی اینکه میفرمائید مدت این قانون تا آخر دوره

سیزدهم باشد این از نقطه نظر عمل عملی نیست چرا؟ برای اینکه تا آخر دوره شش ماه هفت ماه بیشتر نداریم اگر د کتر میسپو بخواهد این قانون را صد صد اجرا کند خود اجرای مقدمات این قانون هفت هشت ماه مدت میخواهد مثلاً اگر بخواهند اداراتی بشکل بازار گانی تشکیل دهند یا کماندهائی بخارج بدهند و از خارج جنس بخواهند خود این کار مدت شش ماه طول میکشد و تا د کتر میسپو بخواهد تشکیلاتش را بدهد و سرو صورتی باین کار بدهد دوره سیزدهم منقضی میشود و بهیچوجه نمیتواند از این قانون استفاده کند اینکه فرمودند که بعد از دوره سیزدهم معلوم نیست بعد چه میشود مطابق قانون اساسی اساس مجلس و مشروطیت تعطیل بردار نیست و قبل از انقضای دوره فعلی البته باید انتخابات جدید شروع شود و حتماً باید مجلس باشد (صحیح است) در صورتی که مطابق قانون اساسی ما باید مجلس داشته باشیم خود مجلس همیشه ناظر اجرای این قانون است هر وقت مجلس دید این قانون بطوری که شاید و باید اجرا نمی شود البته لغو خواهد کرد پس در این صورت اجازه بفرمائید بهمین ترتیبی که از کمیسیون گذشته است باقی باشد و اگر مدت این قانون را شش ماه قرار دهیم بهیچوجه اجرا نخواهد شد و خود د کتر میسپو هم در کمیسیون گفت که در مدت شش ماه من نخواهم توانست این قانون را اجرا کنم و يك قانونی که مدتش اینقدر کم باشد قابل اجرا نیست .

رئیس - آقای انوار .

انوار - خود آقای مخبر تصدیق میکنند که وضع قانون و نسخ قانون با مجلس است قانون اساسی این حق را معین کرده است این يك موضوع تازه نبود که يك ماده نوشته شود که تا نسخ نشده است از طرف مجلس بقوت خود باقی است این معنی دارد که ما ماده بنویسیم و بهش رأی بدهیم؟ این مسلم است و معلوم است نسخ قانون با اختیار مجلس است وضع آهم با اختیار مجلس است وقتی که ما مینویسیم این قانون تا نسخ نشده بقوت خودش باقی است مثل اینکه بنویسیم

تا آفتاب غروب کرد شب است یا رأی بدهیم باینکه تا شب است شب است این معلوم است پس این ماده بکلی بی معنی است و اثری ندارد و فایده ندارد و فایده علمی و عملی برش مترتب نیست . این يك موضوع . موضوع دیگر اینکه آقای افشار شما از بس علاقه داشتید باین قانون عوض اینکه افشار هم بنویسید اختیار نوشته اید و اسم خودتان را فراموش کرده اید . آقا ما زند گانی کرده ایم تجربیات داریم و آن تجربه خودمانرا در موقع عمل باید بشما عرض کنیم . آقای اردلان در دوره دوم و کیل بودند بنده آنوقت روزنامه جنوب مینوشتم مجلس آمد قانون خزانه داری را نوشت و اختیار دادند بمرحوم مرئرد چون آدم خوبی بود آن اختیار که داده شد بمرحوم ناصر الملک نایب السلطنه بود ، وزارت داخله و وزارت مالیه را مأمور اجرای آن قانون کرده بودند وقتی که آن کار شد ناصر الملک کودتا کرد و مرحوم غلامحسین خان سردار محتشم آمد کودتا کرد مجلس را و مجلس را تعطیل کرد مجلس که رفت عملیات باقی ماند تا سه سال و دولت گفت حالا مصلحت نیست مجلس باشد ملت هنوز لیاقت ندارد که مجلس باشد (افشار - مخالف قانون اساسی بود آن کار) صبر کن آقا ما يك آدمی هستیم که همه چیز را اطلاع داریم بشما عرض میکنم استفاده کنید از اطلاعات ما . سال اول مجلس نشد سال دوم نشد سال سوم نشد و آن ترتیبانی که شد بالاخره مجلس سوم آمد اول قدمی که مجلس سوم برداشت آقای اردلان هم در مجلس سوم بودند میرزا قاسم خان و کیل ساز جبالغ پیشنهاد کرد نسخ قانون ۲۳ جوزا را . این يك مسئله تاریخی است . در همه جا بنده کمال عقیده را به آقای د کتر میسپو دارم و اگر نظر آقایان باشد در دوره چهارم و پنجم و ششم ما سه نفر بودیم پابر جا بودیم در دفاع کردن از لوایح د کتر میسپو بنده بودم مرحوم یاسائی بود و یک نفر دیگر الا آن هم همان عقیده را دارم ولی بنده میخواهم بگویم که این قانون و اعتبار آن باید مادامی باشد که مجلس دائر باشد و بقای این قانون باید با دائر بودن مجلس باشد برای اینکه مجلس ناظر اجرای آن باشد ما در اینجا مسئول اجرا

که معین نکرده ایم و نگفتیم که مسئول اجرا فلان وزیر است وقتی که اینطور است باید قوت قانون هم به دایر بودن مجلس باشد این است که بنده پیشنهاد کردم و امیدوارم در کمیسیون که میرد مورد مطالعه قرار بگیرد و خودم بیایم توضیح بدهم . موضوع دیگری را هم بعرض آقایان برسانم آقای هژیر از بس زرنگ است برخ ما کشید که در مجلس انگلستان هم در عرض سه ساعت این قانون از مجلس گذشت اولاً آن مجلس يك چنین نظامنامه ندارد (خنده نمایندگان) و الا نظامنامه ما در وضع قوانین ترتیبانی قرار داده است که بایستی کاملاً رعایت شود از آن جمله ماده ۶۰ نظامنامه است که پیشنهاداتی که در شور اول میشود بایستی قرائت شود و این پیشنهادات را حالا نمیخوانند و رعایت نظامنامه نمیشود و دیگر این که بین شور اول و شور دوم بایستی پنجروز فاصله باشد حالا نمیشود فردا روز جمعه ما بیاییم جلسه کنیم و این کار را تمام کنیم و اختیار را بدهیم نظامنامه مجلس مانع است و ما نمیتوانیم این کار را بکنیم این جا هم مجلس انگلستان نیست لابد ترتیب آنجا طور دیگری است .

وزیر راه - بنده مختصر عرضی داشتم . در آن قسمت اول فرمایشاتی که فرمودند کاملاً صحیح است که چون در قانون مدنی برایش ذکر نشده هر وقت مجلس میتواند نسخ کند و تا وقتی که نسخ نشده بقوت خودش قانون باقی است اما قسمت دوم که لازم است عرض کنم این است که توجه آقایان را نمیخواهم به این نکته جلب کنم که عموم مردم و مجلس شورای ملی و دولت این طور در نظر گرفتند که مقتضی است تا وقتی که يك وضع غیر عادی در دنیا هست و انعکاس آنهم در ایران هست يك اختیاراتی به د کتر میسپو داده شود که بموجب این قانون عملیاتی بکنند ایشان اگر مقصودشان این است که ممکن است همینکه این دوره تمام شد تا دوره بعد که يك چند روزی ناچار فاصله خواهد شد دو سه روزی میخواهند بگویند که در این چند روز این قانون اعتبار ندارد این که نمیشود یکی این موضوع مطلب دیگر این که اگر احساس شده است باینکه اگر

تقدیم میکنم و خواهش میکنم ابلاغ بفرمائید که آقای نخست وزیر نتیجه اقدامات خودشان را راجع به قتل این چند نفر ایرانی در جواب سؤال بنده بفرمایند

وزیر بهداری - بنده میخواستم عرض کنم برای این که نظریات آقایان نمایندگان محترم در موضوع این قانون محسوس شود به ورود شور دوم رأی گرفته شود و آقایان رأی بدهند که پیشنهادات در کمیسیون مطالعه شود و نظریات آقایان معاموم شود **جمععی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است .

رئیس - رأی گرفته میشود ب ورود

امیر تیمور - پیشنهادات باید خوانده شود .

رئیس - آقایان موافقت فرمودند که پیشنهادات برود به کمیسیون (صحیح است) رأی گرفته میشود ب ورود شور دوم موافقین برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد .

[۶- موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - چون وقت خیلی مضیق است لایحه فوری که آقای وزیر بهداری داشتند گمان میکنم بماند برای بعد (صحیح است) موافقت میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) **جلسه آتیه روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت سه ساعت پیش از ظهر دستور هم لایحه آقای وزیر بهداری [مجلس هشت ساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد]** **رئیس مجلس شورای ملی** - حسن اسفندیاری .

این قانون را باین ترتیب که گزارش آن داده شده آقایان رأی ندادند و مدت آن تا انقضای این دوره باشد تصور میکنم آقایان میخواهند تصور کنند دولت (البته بنده نظر بدولت خاصی ندارم) اگر يك دولتی در يك دوره هائی خواستند مسامحه بکنند در باز کردن و افتتاح مجلس میخواهیم بگوئیم اختیارات دکتر میلیسپو گرو آن خواهد بود این که نمیشود و همچو چیزی هم نخواهد بود هیچ دولتی همچو منظوری نخواهد داشت البته قانون بقوت خودش باقی است و تشکیل دوره های تقدینیه همانطور که در ظرف چندین دوره عمل شده است باز هم عمل خواهد شد .

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - همانطور که آقای انوار بیان فرمودند بعقیده بنده مطلب این ماده بقدری واضح است که توضیح و واضحات است نوشتن این که این قانون تا وقتی که از طرف مجلس نسخ نشده بقوت خودش باقی خواهد بود مثل این است که بگوئیم این اطاق تا صندلی نداشته باشد خالی است . این بود که بنده پیشنهاد کردم این قانون از این تاریخ تا مدت یکسال بقوت خودش باقی است و بعد از آنکه این مدت منقضی شد اگر باز لازم بود دولت می آید تمديد آنرا از مجلس درخواست میکند و در خاتمه از فرصت استفاده میکنم سؤالی را که از آقای نخست وزیر دارم بمقام ریاست